ISSN: 2717-3216 *Volume 12, Issue 1 (2025), 115-134* https://www.ijfpjournal.ir/

Iranian Journal of Family Psychology

Research Paper

https://doi.org/10.22034/ijfp.2025.2067631.1427

Developing a Package of Marital Skills Based on Eclecticism Approach and Determining its Effectiveness in Marital Controlling and Conflict Resolution strategies in Conflicting Couples

Rahim Rabet[1], Ali Rezaeisharif[2*], Hossein Qamari Kivi[3]

1. PhD Candidate in Counseling, Department of Counseling, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran.
2. Professor, Department of Counseling, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran.
3. Professor, Department of Counseling, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran.

Article Info.

Received: 13 February 2025

Revised: 9 April 2025

Accepted: 12 May 2025

Keywords:

Eclecticism,

Conflict Resolution Strategies,

Delphi Method,

Marital Controlling,

Validation of Marital Skills Package.

Abstract

Abstract

Marriage is a bond between two people whose health, happiness, and durability depend on the couple's commitment to marital skills. The present study aimed to develop a package of marital skills based on eclecticism and examine its effectiveness in marital controlling and conflict resolution strategies of conflicting spouses. The method of this study was mixed methods, with the Delphi and a quasi-experimental study with a pretest-posttest design with a control group and a two-month follow-up phase. The research population in the qualitative section consisted of all experts in the field of marriage counseling, 30 of whom were selected through purposive sampling method. In the quantitative part, all couples referring to Zanjan counseling centers were included. Among them, 50 couples whose scores on the Graham-Kevan and Archer's (2003) Controlling Behaviors scale and Rahim's Organizational Conflict Inventory (1983) were high were selected through convenience sampling method. They were randomly assigned to the experimental and control groups (25 people in each). The experimental group received training based on the developed protocol during eight two-hour sessions, while the control group received no training. The data were analyzed using the Kendall coefficient and the analysis of covariance. The content validity of the package was satisfactory, and the expert panel reached a strong agreement in the fourth Delphi round. In the quantitative section, the findings indicated that the developed package could reduce marital control in the experimental group compared to the control group; it changed their unconstructive conflict resolution strategies to constructive ones ($p < 0.05$). This difference was also significant in the follow-up phase. Moreover, to compare pairs of groups, the Bonferroni post hoc test was used, which showed that the difference in means was significant only in the experimental group. The results indicated that the developed package could reduce marital conflicts by equipping conflicting spouses with marital skills.

***Corresponding author**
Email: rezaeisharif@uma.ac.ir

How to Cite:
Rabet, R., Rezaeisharif, A., Qamari Kivi, H. (2025). Developing a Package of Marital Skills Based on Eclecticism Approach and Determining its Effectiveness in Marital Controlling and Conflict Resolution strategies in Conflicting Couples. *Journal of Family Psychology. 12*(1), 115-134.

©The Author(s). Published by Family Psychology Association of Iran.
This article is an open access article licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

ISSN: 2717-3216 https://www.ijfpjournal.ir/

روانشناسی خانواده
دوره دوازدهم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۴



مقاله پژوهشی

تدوین بستهٔ مهارت‌های زناشویی مبتنی بر رویکرد التقاط‌نگری و تعیین اثربخشی آن بر کنترل-گری زناشویی و راهبردهای حل تعارض در زوج‌های متعارض

رحیم رابط[۱]، علی رضایی‌شریف[۲*]، حسین قمری کیوی[۳]

۱. کاندیدای دکتری تخصصی، گروه مشاوره، دانشکدهٔ علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.
۲. استاد، گروه مشاوره، دانشکدهٔ علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.
۳. استاد، گروه مشاوره، دانشکدهٔ علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

اطلاعات مقاله

دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۵

بازنگری: ۱۴۰۴/۰۱/۲۰

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۲

کلیدواژه‌ها:

اعتباریابی بستهٔ مهارت‌های زناشویی،

التقاط‌نگری،

راهبردهای حل‌تعارض،

روش دلفی،

کنترل‌گری زناشویی

چکیده

ازدواج پیوندی است دونفره که سلامت، شادمانی و دوام آن در گرو مجهزبودن زوجین به مهارت‌های زناشویی است. هدف پژوهش حاضر تدوین و اعتباریابی بستهٔ مهارت‌های زناشویی بر مبنای رویکرد التقاط-نگری و بررسی اثربخشی آن بر کنترل‌گری زناشویی و راهبردهای حل‌تعارض همسران متعارض بود. روش تحقیق از نوع آمیخته بود که بخش کیفی به‌روش دلفی و بخش کمی به‌صورت مطالعهٔ نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون- پس‌آزمون همراه با گروه کنترل و مرحلهٔ پیگیری دوماهه بود. جامعهٔ پژوهش در بخش دلفی کلیهٔ متخصصان حوزهٔ مشاورهٔ خانواده و زناشویی بود که ۳۰ نفر به‌روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. در بخش کمی نیز کلیهٔ زوج‌های مراجعه‌کننده به مراکز مشاورهٔ زنجان بود که ۵۰ زوج به‌صورت نمونه‌گیری دردسترس انتخاب و در دو گروه آزمایش و کنترل به‌صورت تصادفی جایگزین شدند. گروه آزمایش طی هشت جلسه تحت آموزش قرار گرفت و گروه کنترل هیچ آموزشی دریافت نکرد. داده‌ها با استفاده از ضریب توافق کندال (W) و آزمون کوواریانس تحلیل شدند. روایی محتوایی بسته مطلوب بود و پانل تخصصی در دور چهارم دلفی به توافق نهایی رسیدند. در بخش کمی نیز یافته‌ها حاکی از آن بود که بستهٔ تدوین‌شده توانسته کنترل‌گری زناشویی گروه آزمایش را در مقایسه با گروه کنترل کاهش داده و راهبردهای حل‌تعارض غیرسازندهٔ آنها را به سازنده تغییر دهد که این تفاوت در مرحلهٔ پیگیری نیز معنی‌دار بود. همچنین به‌منظور مقایسهٔ زوجی گروه‌ها از آزمون تعبی بون‌فرونی استفاده شد که نشان از این داشت که تفاوت میانگین‌ها فقط در گروه مداخله معنادار است. نتایج حاکی از آن است که بستهٔ تدوین‌شده می‌تواند با مجهزکردن همسران متعارض به مهارت‌های زناشویی، از تعارضات زناشویی آنها بکاهد.

***نویسنده مسئول:**

پست الکترونیکی: rezaeisharif@uma.ac.ir

استناد به این مقاله:

رابط، رحیم، رضایی شریف، علی، قمری کیوی، حسین (۱۴۰۴). تدوین بستهٔ مهارت‌های زناشویی مبتنی بر رویکرد التقاط‌نگری و تعیین اثربخشی آن بر کنترل-گری زناشویی و راهبردهای حل تعارض در زوج‌های متعارض. *روانشناسی خانواده*، ۱۲(۱)، ۱۱۵-۱۳۴.

مقدمه

ازدواج نهادی بنیادین است که به جوامع و انسان‌ها شکل می‌دهد (Harsono et al., 2024). با پیمان ازدواج ارتباطی شکل می‌گیرد که در مقایسه با دیگر ارتباط‌های انسانی، جایگاهی بی‌نظیر دارد (Amini et al., 2023). خانوادهٔ سازگار خانواده‌ای شادکام است که بین زوج‌ها صمیمیت وجود دارد، به یکدیگر احترام می‌گذارند و الگوهای ارتباطی مؤثری بین آنها در جریان است و تعارض در حداقل خود می‌باشد (Musthofa & Lutfia, 2024). همسران در ازدواج‌های با سازگاری بالا صاحب مدارا بوده و توانایی حل تعارضات‌زناشویی را به‌شیوه‌ای کارآمد دارند و فرزندان نیز به رشد و شکوفایی خود می‌رسند و از عزت‌نفس و اعتمادبه‌نفس بالایی برخوردار خواهند بود (Baharuddin & Nurainiah, 2024; Mahmudulhassan & Abuzar, 2024). اما گزارش‌هایی در سال‌های اخیر در حوزهٔ ازدواج، تمایل به طلاق و پیامدهای طلاق ارائه شده است که نگران‌کننده هستند؛ به‌عنوان مثال میزان طلاق برای ازدواج‌های نخست ۴۰ تا ۵۰ درصد می‌باشد (Cohen, 2020; Dell'Isola et al., 2021) و نرخ طلاق به‌صورت گسترده در بیشتر کشورها روبه‌گسترش است (Aami Bandehgharaei et al., 2023; Sbara & Coan, 2017) که در این راستا جامعهٔ ایرانی نیز در دو دههٔ اخیر به‌رغم تمام سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و برنامه‌ریزی‌های فرهنگی، به‌سمتی در حال حرکت است که روزبه‌روز بر تعداد افراد مطلقه افزوده می‌شود (Khani, 2023)؛ به‌گونه‌ای که بر اساس آمار طلاق، ایران در رتبهٔ چهارم جهان قرار دارد و تقریباً از هر سه ازدواج یک ازدواج منجر به طلاق می‌شود (Sarfarazi & Sadattabatabayi, 2023)؛ لذا مداخلات و برنامه‌های آموزش زوجین در زمینهٔ مهارت‌های زناشویی[1] ضروری به‌نظر می‌رسد.

پژوهش‌ها و مطالعات علل مختلفی برای طلاق ذکر کرده‌اند که یکی از عمده‌ترین آنها تعارضات زناشویی است (Girma Shifaw, 2024; Guyett & Harris, 2024; Khani et al., 2024; Mardani et al., 2024; Nafisah et al., 2024) شیوع روزافزون تعارضات زناشویی در جامعهٔ معاصر، خطر جدایی و اثرات منفی آن بر سلامت روان زوج‌ها و کودکان آنها یکی از مسائل مهم و قابل‌توجه است که گاهی‌اوقات حتی تا سه نسل خانواده تأثیر می‌گذارد (Salehi et al., 2024). تعارضات زناشویی به‌صورت تقابل آشکار بین زوج‌ها در زمینهٔ علایق، نظرات و چشم‌اندازهای مختلف تعریف می‌شود که منجر به اختلاف‌نظر و مشکلات ارتباطی می‌گردد (Henson et al., 2024). پژوهش‌های علمی مشکلات متعددی را برای همسران متعارض برشمرده‌اند که از جملهٔ آنها می‌توان به رفتارهای کنترل‌گرانه و نقص در راهبردهای حل تعارض در همسران اشاره کرد (Salimi et al., 2024).

یکی از نکات مهم و بنیادی در روابط زناشویی احترام به آزادی‌های فردی زوجین است. چنانچه همسران موجب سلب این آزادی شوند هیجانات منفی‌ای مانند پریشانی، احساس‌گناه، ترس، وحشت و خصومت ایجاد می‌کنند که در درازمدت شاهد مشکلات اساسی در روابط‌شان و به‌تبع آن، تعارضات زناشویی، طلاق عاطفی، بی‌ثباتی ازدواج، جدایی و طلاق خواهیم بود (Pourrajab & Kamyabi, 2020). مفهوم‌سازی این مسئله، پدیده‌ای است موسوم به کنترل‌گری زناشویی[2]. رفتار کنترل‌گرانه توسط Graham Kevan and Archer (2005) معرفی شد (Başkan & Alkan, 2023) که از نمونه‌های عینی آن می‌توان به تلاش یکی از همسران برای منع‌کردن شریک زندگی‌اش از دیدار با دوستان خود، محدودکردن رفت‌وآمد او به خانهٔ پدری، اصرار بر دانستن اینکه همسرش در تمام اوقات کجاست، تعیین کردن نوع پوشش همسر، اجازه‌گرفتن همسر از او قبل از اقدام به هر کار، بدبین بودن افراطی نسبت به بی‌وفایی همسر، بی‌اعتنایی به شریک زندگی و نادیده‌گرفتن او اشاره کرد (Aizpurua et al., 2021). مداخلهٔ همسر در استفادهٔ شریک زندگی‌اش از شبکه‌های مجازی و اجتماعی، چک‌کردن دایمی پیامک‌ها، مخاطبین و مکالمه‌ها در تلفن همراه او نیز جزو شاخص‌های جدید کنترل‌گری زناشویی شمرده شده است (Belotti et al., 2022).

هنگامی که زوجین متعارض با کنترل‌گری، یکدیگر را در وضعیت تنش‌زا قرار می‌دهند آنچه به آنها کمک می‌کند تا این استرس و تعارضات را مدیریت کنند راهبردهای حل‌تعارض است. زندگی زناشویی ناگزیر از تعارض است، اما آنچه همسران سازگار را از

1. marital skills
2. marital controlling

ناسازگار متمایز می‌کند چگونگی رویارویی با این تعارضات و شیوهٔ حل آن است (Saeeda et al., 2023). توانایی مدیریت و حل تعارضات به‌طور سازنده می‌تواند بین زوج‌ها علقه ایجاد کرده و در بارورکردن صمیمت در روابط‌شان به آنها کمک کند (Javdan et al., 2023). طبق تعریف، به راه‌حل‌های بالقوه متنوع برای مقابله با اثرات مخرب تعارضات در محیط خانوادگی راهبردها یا سبک‌های حل‌تعارض گفته می‌شود (Karimzadeh et al., 2024).

هرکدام از زوجین بر اساس یادگیری‌ها، تجارب و دانش خود روش حل‌تعارض ویژه‌ای دارد که با این شیوهٔ مخصوص‌به‌خود اقدام به مدیریت تعارضات خانوادگی‌اش می‌کند (Azarnik et al., 2021)، اما صاحب‌نظران این حوزه تقسیم‌بندی‌های متعددی در ارتباط با روش‌ها و راهبردهای حل‌تعارض زوجین انجام داده‌اند (Bretaña et al., 2024; Karimzadeh et al., 2024; SadeghKhani et al., 2024) که به یکی از معروف‌ترین آنها پرداخته می‌شود. Rahim (1983) سبک‌های حل‌تعارض را بر اساس کارهای Blak و Thomas (1976) and Mouton (1964) و با توجه به دو ملاک درنظرگرفتن خود و درنظرگرفتن دیگری به پنج سبک تقسیم‌بندی کرده است (as cited in Haqiqi et al., 2012). ترکیب این دو جنبه، پنج سبک حل‌تعارض زناشویی را تشکیل می‌دهد که عبارت‌اند از: **۱. سبک یکپارچه**[3] **۲. سبک ملزم‌شده**[4] **۳. سبک سلطه‌گرانه**[5] **۴. سبک اجتنابی**[6] **و ۵. سبک مصالحه‌گرانه**[7] (Zare et al., 2023).

پژوهش‌های متعددی نیز تأثیر راهبردهای حل‌تعارض را بر افزایش رضایت، سازگاری و پایداری زناشویی و کاهش تعارضات زناشویی تأیید کرده‌اند. به‌عنوان نمونه SadeghKhani et al. (2024) نشان دادند که بزرگسالان با راهبردهای حل‌تعارض سازنده، رضایت زناشویی پایداری دارند. مثلاً نتایج یک پژوهش حاکی از این است که راهبردهای سازندهٔ حل‌تعارض کیفیت زناشویی را پیش‌بینی می‌کند (Sychev & Anoshkin, 2024) و پژوهش SadeghKhani et al. (2024) حاکی از این است که بین سبک‌های سازنده و غیرسازندهٔ حل‌تعارض با تعارضات زناشویی رابطه وجود دارد.

برای این وضعیت بحرانی علل مختلفی ذکر شده است که یکی از مهم‌ترین این دلایل مجهز نبودن زوج‌ها به مهارت‌های زناشویی است (Modirzare et al., 2021; Xyrakis et al., 2024) درواقع آنچه زوج‌های امروزی به آن نیاز دارند مهارت‌های زناشویی است (HasaniMoghadam et al., 2021). مهارت‌های زناشویی به مجموعه‌ای از توانمندی‌های ضروری یک زندگی زناشویی سالم و رضایت‌بخش گفته می‌شود که درصورت یادگیری و به‌کاربستن آن از سوی همسران کیفیت زندگی متأهلی ارتقا یافته، سازگاری همسران با یکدیگر افزایش پیدا کرده و از تعارضات زناشویی و جدایی و میل به طلاق در آنها کاسته می‌شود (Azarnik et al., 2021).

زمانی که این قبیل مهارت‌ها به زوجین آموزش داده می‌شود از آن به برنامه‌های غنی‌سازی[8] یاد می‌شود. این برنامه‌ها ازجمله رویکردهای مهارت‌آموزی و توانمندسازی هستند که به‌دنبال بهبود رابطه از طریق ایجاد اهداف برای ازدواج بوده، مهارت‌های ارتباطی، مدیریت تعارض و حل‌مسئله، مهارت‌های مقابله‌ای و همدلی و صمیمیت را در زوجین بهبود بخشیده و از این طریق سبب افزایش رضایت‌مندی و کاهش آشفتگی‌ها و تعارضات زناشویی می‌شوند (Morgado et al., 2022). باتوجه به‌اینکه امروزه به‌جای نگاه صِرف درمانی، تمرکز روی حرکت به‌سوی رویکردهای پیشگیرانه و توانمندسازی زوجین می‌شود؛ لذا برنامه‌های غنی‌سازی اهمیت پیدا کرده و مداخلات و برنامه‌های آموزش زوجین در زمینهٔ مهارت‌های زناشویی ضروری به‌نظر می‌رسد. پژوهش‌هایی هم که درمورد اثربخشی این‌قبیل برنامه‌ها انجام شده‌اند نشان داده‌اند که برون‌داد این برنامه‌ها تأثیر مثبت دارند (Satkin et al., 2024).

در حال حاضر برنامه‌های غنی‌سازی متعددی وجود دارد که از رویکردهای مختلف حوزهٔ خانواده و زوج‌درمانی گرفته شده است (Rabet & Qamari-Kiwi 2024) که به‌عنوان نمونه می‌توان به این موارد اشاره کرد: رویکرد متمرکز بر هیجان (khojastehmehr et al., 2021)، رویکرد مبتنی بر کیفیت زندگی (Lotfi & Heidari, 2019)، انجمن زوجین برای غنی‌سازی ازدواج (Zimpfer, 1988)، برنامهٔ پایش ازدواج (Bahonar et al., 2021)، برنامهٔ آماده‌سازی/ غنی‌سازی معروف به PREPARE (Lotfi & Heidari., 2019) و برنامهٔ مراقبت

3 integrating
4 obligating
5 dominating
6 avoiding
7 compromising
8. enrichment programs

زوجین معروف به CARE (Ebrahimi et al., 2019)؛ اما باید توجه داشت که هرکدام از این برنامه‌ها و رویکردها از یک جنبه به موضوع نگریسته و اگر در این قبیل مداخلات فقط با یک رویکرد خاص به درمان یا آموزش پرداخته شود، عملاً گاهی در پاسخ به برخی نیازهای افراد مشکلی حل نخواهد شد که در این مواقع، متخصصان به تلفیق رویکردها روی می‌آورند (Mehrjou & Fatehizadeh, 2023). لذا داشتن نگاهی همه‌جانبه‌نگر و برنامه‌ای جامع که بتواند مؤلفه‌های ضروری نظریه‌ها و رویکردها را استخراج کرده و آنها را با نیازمندی‌های گروه هدف منطبق و استاندارد کند لازم و ضروری به‌نظر می‌رسد.

پژوهش‌های انجام‌شدهٔ پیشین نیز حکایت از اثربخشی بسته‌های تلفیقی دارند که ازجملهٔ آنها می‌توان به این موارد اشاره کرد: Beyrami and Azhideh (2025) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که زوج‌درمانی یکپارچه، رضایت و صمیمیت زناشویی همسران ناسازگار را بهبود می‌بخشد. Pirsaghi (2024) در پژوهشی دریافت که مداخلهٔ روانی- آموزشی مبتنی بر یکپارچه‌سازی رویکردهای سیستمی بر ابعاد کارکرد خانواده اثربخش است. Jalalvand et al. (2023) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که زوج‌درمانی رفتاری یکپارچه‌نگر بر کیفیت روابط و صمیمیت زناشویی اثربخش است. Namdarpour et al. (2023) با تدوین بستهٔ ترکیبی رویکرد بوئن و روایت‌درمانی، به این نتیجه دست یافتند که این بسته بر افزایش تمایزیافتگی زوجین متعارض اثربخش است. KaveheiSedeh et al. (2022) دریافتند که روش مشاوره‌ای خبره- محور به‌عنوان مدل مشاوره‌ای پیش از ازدواج از اعتبار بالایی برخوردار است. Mostajeran et al. (2021) نیز در پژوهشی به این یافته رسیدند که تلفیق درمان هیجان- مدار و متمرکز بر شفقت، روی کیفیت زندگی و زناشویی زنان متأهل اثربخش است.

امروزه تمایل به استفاده از رویکردهای تلفیقی بیشتر شده و روزبه‌روز به آمار متخصصانی که به استفاده از این رویکرد تمایل پیدا می‌کنند افزوده می‌شود؛ به‌گونه‌ای که طبق گزارش پژوهش‌ها در حال‌حاضر فقط ۱۵ درصد از متخصصان از رویکردهای منفرد[9] استفاده می‌کنند (Kaur & Wani, 2022). اصطلاحی که برای این رویکردهای تلفیق به‌کار می‌رود التقاط‌نگری[10] است. رویکرد التقاط‌نگری از دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۷۰ شکل گرفته و تکامل پیدا کرده است (Vasile, 2021). این رویکرد، رویکردهای آموزشی و درمانی مختلف را به‌منظور طراحی یک بستهٔ غنی‌سازی اثربخش و کارآمد ترکیب می‌کند (Noordin et al., 2021) و با انعطاف‌پذیری، دانش گسترده و عمیقی که دارد به متخصصان امکان می‌دهد به‌طور مؤثر نیازهای مراجعان و فراگیران را شناسایی کرده و بر اساس نیاز آنها به استفاده از تکنیک، روش و مهارت یا آموزش اقدام کند (Hoffman, 2022; Vasil, 2021).

باتوجه‌به اینکه در التقاط‌گرایی بهترین فنون و رویه‌ها انتخاب می‌شوند تا روی یک شخص یا یک موقعیت به کار روند (Wedding & Corsini, 2019) و چون هرکدام از این بسته‌های آموزشی موجود که برای زوج‌ها تدوین‌شده‌اند مبتنی بر یک نظریه یا مدل هستند و از ترکیب جنبه‌های اثربخش چند مدل یا نظریه بازمانده‌اند؛ لذا به یک بستهٔ غنی‌سازی التقاط نگر (EPP)[11] نیاز است تا آن جنبه‌هایی از این مداخلات را که اثربخشی‌شان ازطریق پژوهش‌ها تأیید شده و به‌صورت پراکنده هستند اخذ کرده، از مزایا و فواید این رویکردهای شواهد بنیان حوزهٔ مهارت‌های زناشویی سود برده و با تدوین بستهٔ آموزشی جدید و آموزش آن روی همسران اثربخشی آن را بر جنبه‌هایی از زندگی همسران متعارض بررسی کند.

حال باتوجه به اینکه اثربخشی مدل راهبردی (Fereydounnejad, 2023)، نظریهٔ بین‌نسلی (Atadokht et al., 2024)، خانواده‌درمانی ساختاری (Omidi et al., 2022)، طرحواره‌درمانی (Bidari et al., 2021)، زوج‌درمانی راه‌حل- مدار (Rahespar et al., 2022) و رفتاردرمانی دیالکتیک (Modirzare et al., 2021) روی بهبود کنترل‌گری زناشویی و راهبردهای حل‌تعارض همسران متعارض تأیید شده، تأکید آنها بر مهارت‌آموزی به همسران بوده و جزو رویکردهای شواهد- بنیان[12] می‌باشند لذا از میان رویکردها و نظریه‌های موجود در حوزهٔ مشاورهٔ خانواده و زوج‌درمانی، این شش رویکرد انتخاب و بر اساس آنها بستهٔ مهارت‌های زناشویی مبتنی بر التقاط‌نگری تدوین شد. پژوهش حاضر از یک‌طرف با تدوین و اعتباریابی بستهٔ مهارت‌های زناشویی بر مبنای رویکرد التقاط نگری با ارائهٔ چارچوبی مشخص

9. single approaches
10. eclectic
11. Eclectic Psycho- educational Package (EPP)
12. evidence- based approaches

آموزش مفاهیم، مهارت‌ها و مداخلات متنوع را برای زوجین متعارض، به روش التقاط‌گرایی فنی ارائه و جهت‌دهی کرده است و از طرف دیگر درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال بوده است که آیا این بستهٔ تدوین‌شده روی بهبود کنترل‌گری زناشویی و راهبردهای حل تعارض همسران متعارض اثربخش است یا خیر؟

روش

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف، از نوع تحقیقات توسعه‌ای[13] و از نظر شیوهٔ جمع‌آوری داده‌ها از نوع آمیخته[14] است که در بخش کیفی به‌منظور اعتباریابی از روش دلفی[15] و در بخش کمی نیز به‌صورت مطالعهٔ نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون همراه با گروه کنترل و مرحلهٔ پیگیری دوماهه است.

طرح پژوهش مطالعهٔ حاضر از نوع آمیختهٔ متوالی مستقل محسوب می‌شود. طرح آمیختهٔ متوالی مستقل به طرحی اطلاق می‌شود که در آن یک رویکرد به‌دنبال رویکرد دیگر طراحی و اجرا می‌شود و بخش‌های کمی و کیفی به‌صورتی به‌کار برده می‌شوند که هریک مستقل از دیگری عمل می‌کنند؛ یعنی دو بخش مجزا از هم هستند و پژوهشگر پرسش‌های کمی و کیفی جمع‌آوری داده‌ها و تجزیه‌وتحلیل آنها را به‌صورت مستقل و جدا از هم انجام می‌دهد و عمل ترکیب یا آمیخته فقط در زمان نتیجه‌گیری اتفاق می‌افتد (Delavar, 2024). در این پژوهش نیز ابتدا بخش کیفی که تدوین یک بستهٔ غنی‌سازی است انجام شده و در مرحلهٔ بعد نیز بخش کمی پژوهش انجام شده و از رویکردهای کمی و کیفی در دو مرحلهٔ مجزا و مستقل استفاده شده است.

پس از تدوین بستهٔ آموزشی مهارت‌های زناشویی، سی نفر از افراد متخصص در زمینهٔ مشاورهٔ خانواده و زوج‌درمانی به‌عنوان پانل تخصصی دلفی این پژوهش به‌روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. روش دلفی به‌دنبال دست‌یابی به دانش گروهی از متخصصان دربارهٔ موضوعی خاص است و در نهایت با حصول اتفاق‌نظر میان آنها پایان می‌یابد (Shahsavand & Ghaemi, 2023). در واقع به‌کمک روش دلفی تلاش می‌شود تا قابل‌اعتمادترین اجماع‌نظر گروهی از کارشناسان به‌دست آورده شود (Makhmutov, 2021).

معیار ورود اعضای پانل تخصصی عبارت بود از: داشتن مدرک دکتری در رشتهٔ مشاوره و روان‌شناسی یا مشغول به تحصیل بودن در دورهٔ دکترای تخصصی رشتهٔ مشاوره، داشتن دست‌کم پنج سال سابقهٔ فعالیت بالینی در حوزهٔ مشاورهٔ ازدواج، خانواده و زوج‌درمانی، دارابودن کتاب یا مقاله در حوزه‌های مذکور و تدریس دروس مشاوره و روان‌شناسی خانواده و نظریه‌های حوزهٔ ازدواج.

داده‌ها طی چهار دور دلفی جمع‌آوری شد و تجزیه‌وتحلیل آنها با استفاده از نرم‌افزار spss انجام شد. از متخصصان انتخاب‌شده در چهار دور نظرخواهی به عمل آمد. پس از تحلیل و بررسی نظرات جمع‌آوری‌شده با بازخوردهای ارائه‌شده توسط پانل دلفی، تغییرات لازم در بستهٔ آموزشی طراحی‌شده اعمال شد که در نهایت، آنها در دور چهارم توانستند دربارهٔ بستهٔ تدوین‌شده به توافق نهایی برسند.

طرح پژوهش در بخش کمی نیز به این صورت بود که کلیهٔ زوج‌های مراجعه‌کننده به مراکز مشاورهٔ خانواده و ازدواج سطح شهر زنجان جامعهٔ آماری پژوهش حاضر را تشکیل می‌دادند که از بین آن مراکز، هفت مرکز به‌صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب و از زوج‌های مراجعه‌کننده به آن مراکز، ۵۰ زوج که نمرات‌شان در پرسشنامهٔ رفتارهای کنترل‌گرایانهٔ Kevan and Archer (2003) و سبک‌های غیرسازندهٔ راهبردهای حل‌تعارض پرسشنامهٔ سبک‌های حل‌تعارض Rahim (1983) بالا بود به‌صورت نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و با توجه به اینکه برای پژوهش‌های آزمایشی، نمونه‌ای در حد ۱۵ نفر کفایت می‌کند (Delavar, 2020)، ۵۰ زوج در دو گروه ۲۵ نفرهٔ آزمایش و کنترل به‌صورت تصادفی ساده (قرعه‌کشی) جایگزین شدند. گروه آزمایش طی هشت جلسهٔ دوساعته تحت آموزش بر اساس پروتکل بستهٔ تدوین‌شده قرار گرفتند، در حالی که گروه کنترل هیچ آموزشی دریافت نکرد. پس از اتمام جلسات آموزشی، هر دو گروه مورد ارزیابی پس‌آزمون قرار گرفتند. گروه آزمایش پس از یک دورهٔ دو ماهه به‌عنوان مرحلهٔ پیگیری مجدداً ارزیابی شد.

13. research and development (R & D)
14. mixed method
15. delphi method

ملاک‌های ورود به مطالعه شامل رضایت آگاهانه و شرکت داوطلبانه برای شرکت در پژوهش، گذشتن حداقل یک سال از ازدواج زوجین، زندگی با هم زیر یک سقف، دارابودن حداقل مدرک دیپلم و کسب نمرهٔ بالا در پرسش‌نامه‌هایی پیش‌آزمون بود. ملاک‌های خروج نیز شامل: غیبت بیش از سه جلسه، شرکت نامنظم در جلسات، وابستگی یکی از همسران به مواد یا مشروبات الکلی، اقدام زوجین به جدایی یا طلاق، عدم پاسخگویی کامل به سؤالات پرسش‌نامه در دو مرحلهٔ پس‌آزمون و پیگیری بود. تأکید بر محرمانه بودن اطلاعات اعضا، برگزاری جلسات آموزشی جداگانه برای گروه کنترل، استفاده از اطلاعات به‌دست‌آمده از اعضا در امر پژوهش، اخذ رضایت کتبی از اعضا و آزادی عمل در پایان‌دادن به ادامهٔ مشارکت در پژوهش از ملاحظات اخلاقی پژوهش حاضر بود.

ابزار سنجش

پرسشنامهٔ رفتارهای کنترل‌گرانهٔ (CBS)[16]. این پرسشنامه اولین بار توسط Graham-Kevan and Archer (2005) با هدف بررسی رفتارهای کنترل‌گرانهٔ همسران ساخته شد که ۲۹ گویه دارد. در این پرسشنامه زن‌وشوهر می‌توانند رفتارهای کنترل‌گرانهٔ خود و همسرشان را گزارش دهند. نمره‌گذاری این پرسشنامه با مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای از صفر تا چهار انجام می‌شود. مجموع نمرات بالاتر بیانگر کنترل‌گری زناشویی بیشتر است. این پرسشنامه در ایران توسط Ziaie (2015) ترجمه و هنجاریابی شده است که ضریب اعتبار آلفای کرونباخ نسخهٔ فارسی آن با نتایجی که کوان و آرچر گزارش داده بودند همخوانی دارد (as cited in Modirzare et al., 2021). در بررسی این پرسشنامه روی ۲۰۰۰ نفر در انگلستان، ضریب آلفای نمونهٔ زنان ۰/۹۰ درصد و در مردان ۰/۸۹ درصد گزارش شد (Pourrajab & Kamyabi, 2020). Saniei (2021) ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس را در ایران ۰/۹۵ گزارش کرده است. (2014) Abbasi Asilبرای پایایی این مقیاس آلفای کرونباخ ۰/۷۹ و روایی آن را مطلوب گزارش کرده است (as cited in Modirzare et al., 2021). در پژوهش Fasdi et al. (2024) آلفای کرونباخ مقیاس کلی رفتارهای کنترل‌گرانه در زنان ۰/۹۲ و در شوهران ۰/۹۵ به‌دست آمده که نشان از همسانی درونی عالی این ابزار است. روایی این پرسشنامه توسط Graham- Kevan and Archer (2005) مطلوب گزارش شده است (Modirzare et al., 2021) و در پژوهش Pourrajab and Kamyabi (2020) روایی این پرسشنامه ۰/۸۷ گزارش شده است.

پرسشنامهٔ سبک‌های حل تعارض رحیم (ROCI-II)[17]. این پرسشنامه توسط Rhim (1983) برای اندازه‌گیری سبک‌های حل‌تعارض بر اساس دو ملاک نگرانی برای خود و نگرانی برای دیگران ساخته شد که دارای ۲۸ سؤال بوده و هدف آن ارزیابی سبک‌های حل‌تعارض افراد در رابطه با همسر است که شامل سبک یکپارچگی، سبک مسلط، سبک ملزم‌شده، سبک اجتنابی و سبک مصالحه‌گرانه است. پرسشنامهٔ حاضر دارای مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای است که از ۱= کاملاً مخالفم تا ۵=کاملاً موافقم نمره‌گذاری می‌شود. برای به‌دست آوردن امتیاز مربوط به هر بعد، مجموع امتیازهای سؤالات مربوط به آن بعد با هم جمع می‌شوند که نمرهٔ هر بعد، بیانگر امتیاز آن سبک از حل‌تعارض خواهد بود. امتیاز بالاتر در هر سبک، نشان‌دهندهٔ راهبرد حل تعارض فرد می‌باشد (Gorjian, 2023). در ایران این پرسشنامه ابتدا توسط Babapour (2006) اعتباریابی شد که اعتبار درونی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۸۱/۷ به‌دست آمده است (as cited in Saeeda et al., 2023). Haqiqi et al. (2012) نیز اعتبارسنجی این پرسشنامه را در بین زوجین ایرانی انجام دادند که نتیجهٔ تحلیل عاملی نشان داد که این پرسشنامه در میان زوج‌های ایرانی از برازش مطلوبی برخوردار است که ضریب آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس‌ها در دامنهٔ ۰/۷۱ تا ۰/۷۵ قرار دارد (Saeeda et al., 2023). ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه در پژوهش Saeeda et al. (2023) در دامنهٔ ۰/۶۹ تا ۰/۷۸، در پژوهش Gorjian (2023) برابر با ۹۲/۲ به‌دست آمده است که نشان‌دهندهٔ پایایی مطلوب و مناسب پرسشنامهٔ حاضر است. در پژوهش Haqiqi et al. (2012) روایی سازه و افتراقی این ابزار تأیید شده و روایی همگرا و واگرای این پرسشنامه با پرسشنامهٔ CRQ مطلوب گزارش شده است. در پژوهش Hening (2003) نیز روایی ملاکی این پرسشنامه مورد تأیید قرار گرفته است (as cited in Haqiqi et al., 2012).

16. Controlling Behaviors Scale (CBS)
17 Rahim Organizational Conflict Inventory-II (ROCI-II)

جدول ۱: سرفصل محتوای جلسات آموزشی مبتنی بر رویکرد التقاط‌نگری

جلسه	محتوا	اهداف
اول	انجام پیش‌آزمون	آشنایی با همسران، معرفی طرح، ساختار و قوانین جلسات
دوم	مروری بر جلسه گذشته، توضیح خشونت خانگی و انواع کنترل‌گری زناشویی، آشنایی با فن "بازآرایی قدرت"	آشناسازی زوجین با کنترل‌گری زناشویی و ارائهٔ تکلیف "برنامهٔ زمانی مدیریت نوبتی".
سوم	بررسی تکلیف جلسهٔ گذشته، توضیح علل کنترل‌گری زناشویی، توضیح مفهوم همجوشی و تمایزیافتگی، پرداختن به اضطراب به‌عنوان یکی از علل کنترل‌گری زناشویی	آشنایی با نقش مکملیت در نظریهٔ بوئن، آموزش فن "افزایش تمایزیافتگی همسران" و فن "آرام‌سازی"، ارائهٔ تمرین "ثبت اضطراب خود و درجه‌بندی آن"
چهارم	بررسی تکلیف جلسهٔ گذشته، اشاره به نظریهٔ مینوچین، توضیح مفهوم اسطوره‌های زناشویی لازاروس،	آشنایی با مفهوم مرز در خانواده و بین همسران، آموزش فن "مرزسازی" و ارائهٔ تمرین " فرصت‌سازی برای همسر خود به مدت یک هفته"
پنجم	بررسی تکلیف جلسهٔ گذشته، پرداخت ویژه به طرح‌وارهٔ رهاشدگی	آشنایی با مفهوم طرح‌واره و رابطهٔ آن با کنترل‌گری زناشویی، آموزش فن "به چالش کشیدن دیدگاه"، "شناخت توانمندی‌ها و نقاط قوت" و "هم‌جوشی زدایی از همسر"، ارائهٔ تمرین" فکرکردن به تجربهٔ رهاشدگی از طرف والدین"
ششم	بررسی تکلیف جلسهٔ گذشته، توضیح مفهوم تعارضات زناشویی و علل آن	معرفی راهبردهای حل تعارض سازنده و غیرسازنده
هفتم	بررسی تکلیف جلسهٔ گذشته، معرفی رویکرد راه‌حل مدار کوتاه‌مدت، توضیح اصول اساسی زوج‌درمانی رویکرد، آموزش فن سؤال استثنا، فن انجام یک کار متفاوت، روش پرسش معجزه	آموزش مهارت حل مسئله به همسران
هشتم	بررسی تکلیف جلسهٔ گذشته، معرفی رویکرد رفتاردرمانی دیالکتیک، تشریح مبحث هیجان‌ها، پرداختن به تحریفات شناختی و فن ارزیابی مجدد شناختی	آموزش مهارت تنظیم هیجان و راهبردهای سازندهٔ حل تعارض، آموزش فن‌های مختلف رفتاردرمانی دیالکتیک و به‌عمل‌آوردن پس‌آزمون

یافته‌ها

بخش کیفی

جدول ۲. مشخصات اعضای پانل تخصصی بر اساس فراوانی و درصد

موارد		فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۲۰	۶۶.۶۷
	زن	۱۰	۳۳.۳۳
کل		۳۰	۱۰۰
مدرک تحصیلی	دانشجوی دکترا	۱۰	۳۳.۳۳
	دکترا	۲۰	۶۶.۶۷
کل		۳۰	۱۰۰
گروه سنی	۳۰ -۳۴	۲	۶.۶۷
	۳۵ -۳۹	۵	۱۶.۶۷
	۴۰ -۴۴	۱۶	۵۳.۳۳
	۴۵ -۵۰	۷	۲۳.۳۳
کل		۳۰	۱۰۰
سابقه‌ی فعالیت	۵ -۹	۱۳	۴۳.۳۳
	۱۰ -۱۵	۱۷	۵۶.۶۷
کل		۳۰	۱۰۰

دورهای دلفی

روش دلفی این پژوهش چهار دور دارد که در دور اول، بر مبنای بستهٔ تدوین‌شده، شاخص‌هایی توسط اعضای پانل تخصصی استخراج شد که پس از جمع‌آوری نظرات آنها و نظم‌دهی، طبقه‌بندی، تحلیل و بررسی نظرات در نهایت ۳۶ شاخص تدوین گردید.

جدول ۳. مقایسهٔ میانگین و ضریب هماهنگی کندال (W) در سه دور دلفی

دور	نما	میانه	میانگین	انحراف معیار	مقدار کندال	سطح معناداری
دوم	۳	۳	۳/۴۴	۰/۷۷	۰/۴۹۶	۰/۰۰۰
سوم	۴	۴	۴/۰۹	۰/۵۷	۰/۸۵۶	۰/۰۰۰
چهارم	۵	۵	۴/۷۴	۰/۴۳	۰/۸۹۴	۰/۰۰۰

طبق جدول شمارهٔ ۳ در دور دوم میانگین نظرات اعضای تخصصی پانل، ۳.۴۴ محاسبه شد. به‌منظور تعیین میزان هماهنگی و توافق نظرات متخصصان در مورد بستهٔ تدوین‌شده از ضریب هماهنگی کندال (W) استفاده شد که میزان این ضریب در این دور برابر با ۰/۴۹۶ به‌دست آمد که با وجود معنی‌داری، چون زیر ۰/۵۰ بود دور سوم دلفی نیز برگزار شد. در دور سوم میانگین کل از ۳.۴۴ به ۴.۰۹ افزایش یافته و میزان انحراف معیار نسبت به دور دوم کاهش پیدا کرده است. در این دور پس از بررسی پاسخ‌های دور دوم متخصصان، از آنها خواسته شد آن شاخص‌هایی را که در دور دوم امتیاز ۳ و ۲ داده بودند را دوباره بررسی و بازبینی کنند. به همین منظور پرسشنامهٔ دارای ۳۶ شاخص به‌همراه جواب سایر متخصصان به آنها ارسال شد و پس از جمع‌آوری همهٔ ۳۰ پرسشنامه برای بار دوم به‌لحاظ شاخص‌های آماری و ضریب هماهنگی کندال تحلیل و بررسی شد که ضریب هماهنگی کندال برابر با ۰/۸۵۶ به‌دست آمد، که نشان از افزایش توافق و هماهنگی متخصصان در دور سوم است. هرچند این عدد طبق جدول داوری دلفی در بازهٔ یک توافق قوی قرار دارد؛ اما به‌منظور دستیابی به اجماع بیشتر اعضای پانل و اطمینان از عدم تغییر نظر متخصصان، دور چهارم نیز انجام شد. زمانی‌که نتایج دور سوم بررسی شد مشاهده گردید که هنوز تعدادی از متخصصان به برخی از شاخص‌های پرسشنامه عدد ۳ (یعنی نظری ندارم) را انتخاب کرده‌اند که همین عامل می‌تواند همگرایی متخصصان را تحت تأثیر قرار دهد؛ لذا به‌منظور اطمینان از تغییر یا عدم‌تغییر نظر این دسته از متخصصان، دور چهارم دلفی نیز برگزار شد تا اگر بنا باشد آنها به همگرایی بیشتری برسند در این دور اتفاق بیافتد، بنابراین با این هدف پرسشنامهٔ مذکور برای بار سوم به متخصصان ارسال شد و پس از دادن مهلت یک هفته‌ای، پرسشنامه از آنها جمع‌آوری شد که پس از بررسی و تجزیه و تحلیل مشاهده شد که تغییراتی در نتایج حاصل شده است. در این دور نیز تغییراتی در کل شاخص‌ها در مقایسه با دور سوم ایجاد؛ به این معنی که میانگین کل از ۴.۰۹ به ۴.۷۴ افزایش یافته و میزان پراکندگی نسبت به دور سوم کاهش پیدا کرده است که نشان از افزایش میزان توافق و هماهنگی متخصصان می‌باشد که به‌منظور حصول اطمینان از این امر ضریب هماهنگی کندال برای دور چهارم نیز محاسبه شد که ۰/۸۹۴ به‌دست آمد که نشان‌دهندهٔ اجماع و میزان هماهنگی «قوی» و نزدیک «بسیار قوی» اعضای تخصصی پانل است. لازم به ذکر است که تعداد پانل تخصصی در تمامی دورهای دلفی ۳۰ نفر بوده است.

پایان دورهای دلفی

Smith (1997) برای تصمیم‌گیری دربارهٔ توقف یا ادامهٔ دورهای دلفی دو معیار آماری ارایه کرده است. اولین معیار، اجماع نظر قوی میان اعضای پانل است که این معیار در دور چهارم پژوهش حاضر به‌دست آمده است. معیار دوم نیز در صورت نبود چنین اجماع‌نظری، ثابت ماندن این ضریب یا رشد ناچیز آن در دو دور متوالی است (as cited in khoshnodifar et al., 2024)؛ که این معیار نیز در این پژوهش برآورده شده است؛ یعنی مقدار عدد کندال دور چهارم نسبت به دور سوم افزایش چشمگیری نداشته است؛ لذا این امر نشان از این است که افزایشی در توافق اعضا صورت نگرفته است و فرایند نظرخواهی باید متوقف شود. بنابر این می‌توان گفت که متخصصان در دور چهارم به یک توافق قوی و بالا دست پیدا کرده‌اند و با اطمینان بسیار بالا می‌توان گفت بستهٔ روانی – آموزشی تدوین‌شده بسته‌ای است که بنا به نظر اعضای پانل این پژوهش می‌تواند برای آموزش زوج‌های متعارض به کار رود.

روایی محتوایی بسته

به‌منظور بررسی روایی محتوایی بسته از نسبت روایی محتوایی (CVR) و شاخص روایی محتوایی (CVI) استفاده شد. برای محاسبهٔ CVR از نظرات ۳۰ متخصص در زمینهٔ محتوای بسته استفاده شد که میزان CVR بسته برابر با ۰/۶۰ که با توجه به جدول Lawshe که برای نمونهٔ ۳۰ نفره ۰/۳۳ در نظر گرفته شده است، می‌توان نتیجه گرفت که عدد به‌دست‌آمده قابل‌توجه و بالا محسوب می‌شود. در ادامه به‌منظور بررسی CVI از روش Waltz and Bausell استفاده شد که عدد به‌دست آمده برابر با ۰/۸۵ شد که بر اساس منابع اگر این عدد از ۰/۷۹ بزرگتر باشد قابل‌قبول است (Habibi & Sarabadani, 2022)؛ بنابراین نتیجه گرفته می‌شود که بسته

تدوین‌شده از روایی محتوایی بالایی برخوردار است.

بخش کمی

با توجه به اینکه طرح روش تحقیق آمیختهٔ پژوهش حاضر از نوع طرح‌های مستقل و مداخله‌ای است، پس از اتمام مرحلهٔ کیفی نوبت به بخش کمی می‌رسد که مرحلهٔ مداخله در این قسمت صورت گرفته است که توضیحات آن در این بخش آمده است.

جدول ۴. توزیع فراوانی و درصد شرکت کنندگان دو گروه آزمایش و کنترل

متغیر		گروه آزمایش		گروه کنترل		سطح معناداری
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	
جنسیت	مرد	۲۵	۵۰	۲۵	۵۰	۰/۵۲
	زن	۲۵	۵۰	۲۵	۵۰	
	کل	۵۰	۱۰۰	۵۰	۱۰	
سطح تحصیلات	دیپلم و فوق دیپلم	۲۲	۴۴	۲۲	۴۴	۰/۳۵
	کارشناسی	۲۱	۴۲	۲۱	۴۲	
	کارشناسی ارشد	۷	۱۴	۷	۱۴	
	کل	۵۰	۱۰۰	۵۰	۱۰۰	
سن	۲۹-۲۵	۱۴	۲۸	۱۴	۲۸	۰/۴۶
	۳۴-۳۰	۱۸	۳۶	۱۹	۳۸	
	۳۹-۳۵	۹	۱۸	۷	۱۴	
	۴۵-۴۰	۹	۱۸	۱۰	۲۰	
	کل	۵۰	۱۰۰	۵۰	۱۰۰	
مدت ازدواج	۴-۱	۸	۳۲	۶	۲۴	۰/۴۴
	۹-۵	۱۲	۴۸	۱۳	۵۲	
	۱۵-۱۰	۵	۲۰	۶	۲۴	
	کل	۲۵	۱۰۰	۲۵	۱۰۰	

همانگونه که نتایج جدول ۴ نشـان می دهد دو گروه در متغیرهای جنسـیت، تحصـیلات، سـن و مدت ازدواج تقریباً همگن هستند. نتایج آزمون خی دو نیز نشان می‌دهد تفاوت دو گروه معنادار نیست (P>0/05).

جدول ۵. میانگین و انحراف استاندارد کنترل‌گری زناشویی و راهبردهای حل تعارض گروه آزمایش و کنترل به‌تفکیک مرحلهٔ سنجش در گروه‌ها

متغیر		گروه آزمایش						گروه کنترل					
		پیش‌آزمون		پس‌آزمون		پیگیری		پیش‌آزمون		پس‌آزمون		پیگیری	
		M	SD	M	SD	M	SD	M	SD	M	SD	M	SD
کنترل-گری زناشویی	اقتصادی	۱۲/۸۰	۱/۲۶	۳/۴۴	۰/۸۲	۳/۵۶	۰/۸۲	۱۳/۵۶	۱/۰۸	۱۶/۱۴	۱/۰۷	۱۴/۶۰	۱
	تهدیدآمیز	۱۳/۱۲	۱/۱۷	۳/۱۶	۱/۳۴	۳/۴۴	۱	۱۳/۷۲	۱/۲۷	۱۳/۸۰	۱/۳۲	۱۴/۴۴	۱
	ازطریق ترساندن	۱۴/۳۲	۲/۳۴	۳/۱۲	۱/۳۹	۳/۱۲	۰/۹۷	۱۵/۴۴	۱/۴۷	۱۵/۸۸	۱/۴۵	۱۶/۴۰	۱/۵۸
	هیجانی	۱۴/۹۶	۱/۴۳	۳/۶۴	۰/۷۰	۳/۱۶	۰/۹۴	۱۵/۸۴	۱/۱۸	۱۵/۹۲	۱/۳۵	۱۶/۸۴	۱/۳۷
	ازطریق انزوا	۲۰/۲۰	۲/۹۳	۴/۹۶	۱/۵۹	۴/۴۴	۱/۵۳	۲۰/۶۸	۰/۹۴	۲۰/۳۶	۱/۲۵	۲۰/۶۰	۱/۵۰
	ازطریق فرزندان	۱۷/۴۰	۰/۸۲	۴/۰۴	۱/۲۷	۳/۹۲	۱/۳۵	۱۸/۳۲	۱/۱۴	۱۸/۴۴	۱/۵۰	۱/۱۵	۱/۱۵
	نمرهٔ کل	۹۳/۲۰	۴/۷۶	۲۲/۴۸	۵/۴۹	۲۱/۶۴	۴/۸۷	۹۷/۵۶	۴/۱۰	۹۸/۵۶	۳/۴۹	۱۰۱/۴۸	۳/۵۸
راهبردهای حل تعارض	یکپارچه	۱۱/۳۶	۱/۸۹	۳۰/۵۲	۱/۸۳	۳۰/۵۶	۱/۷۳	۱۰/۲۸	۱/۴۶	۱۰/۹۶	۱/۳۷	۱۱/۳۶	۱/۲۲
	مصالحه‌گرانه	۷/۳۲	۲/۹۴	۲۳/۱۶	۲/۳۶	۲۲/۷۶	۲/۲۲	۷/۰۸	۱/۱۹	۸/۳۶	۱/۱۹	۹/۱۲	۱/۰۱
	ملزم‌شده	۹/۳۶	۱/۶۰	۲۲/۵۲	۲/۳۳	۲۲/۰۴	۲/۴۸	۹/۴۰	۱/۲۹	۹/۶۸	۱/۰۳	۹/۸۰	۰/۹۱
	اجتنابی	۲۲/۶۸	۲/۳۰	۱۲/۲۲	۱/۷۵	۱۱/۸۸	۱/۷۹	۲۲/۰۸	۱/۶۱	۲۲/۳۲	۰/۹۹	۲۱/۸۸	۱/۰۵
	سلطه‌گرانه	۲۲/۹۶	۱/۰۶	۹/۶۸	۱/۴۴	۹/۷۲	۲/۰۷	۲۳/۱۲	۰/۸۳	۲۲/۶۰	۱	۲۱/۹۶	۱

جدول پنج بیانگر شاخص‌های توصیفی کنترل‌گری و راهبردهای حل تعارض دو گروه آزمایش و گواه در سه مرحلهٔ پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود میانگین نمرهٔ کل کنترل‌گری در مرحله پیش‌آزمون در دو گروه آزمایش (۹۳/۲۰) و گروه کنترل (۹۷/۵۶) است که هر دو نمره بر اساس هنجار پرسشنامه نمرهٔ بالایی محسوب می‌شود؛ اما پس از قرارگرفتن گروه آزمایش در معرض آموزش بستهٔ مهارت‌های زناشویی التقاط‌نگر، میزان میانگین آن به عدد ۲۴/۴۸ تقلیل یافته و نمرهٔ میانگین گروه کنترل همچنان بالا (۹۸/۵۶) مانده است. نمرهٔ میانگین مرحلهٔ پیگیری گروه آزمایش پس از دو ماه کاهش یافته (۲۱/۶۴)، ولی برای گروه گواه بالاتر نیز رفته است (۱۰۱/۴۸). این روند برای کلیهٔ خرده‌مقیاس‌های کنترل‌گری زناشویی نیز صادق می‌باشد. در مورد راهبردهای حل تعارض نیز مشاهده می‌شود که نمرهٔ هر دو گروه آزمایش و کنترل در سبک‌های سازنده (یکپارچه، مصالحه‌گرانه و ملزم‌شده) پایین و در سبک‌های غیرسازنده (اجتنابی و سلطه‌گرانه) بالا است که بیانگر این است که هر دو گروه قبل از اعمال آموزش راهبردهای حل تعارض اجتنابی و سلطه‌گرانه داشتند که نمرهٔ گروه آزمایش پس از برگزاری جلسات آموزشی در سبک‌های سازنده افزایش و در سبک‌های غیرسازنده کاهش پیدا کرده است و این وضعیت پس از گذشت دو ماه همچنان تقریباً ثابت مانده است؛ اما این روند برای گروه کنترل این‌گونه نبوده است، یعنی نمرات سبک‌های حل تعارض سازنده همان مقدار پایین و نمرات سبک‌های غیرسازنده مقدار بالا را به خود اختصاص داده است که در مرحلهٔ پیگیری نیز به همین منوال بوده است.

به‌منظور بررسی مفروضه‌های تحلیل کوواریانس، ابتدا برای مفروضهٔ توزیع نرمال‌بودن متغیرها از آزمون شاپیرو- ویلک استفاده شد که سطح معناداری به‌دست آمده برای کنترل‌گری زناشویی (P>۰/۳۴۴) و نیز برای تمام مؤلفه‌های راهبردهای حل تعارض بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است (۰/۱۴۶، ۰/۳۰۳، ۰/۲۹۱، ۰/۱۴۲ و ۰/۱۰۹)، لذا مفروضهٔ نرمال بودن محقق شده است. جهت بررسی همگنی واریانس‌ها از آزمون لون استفاده شد و نتایج آن نشان می‌دهدکه سطح معناداری برای کنترل‌گری زناشویی بیشتر از ۰/۰۵ است (P>۰/۹۳) و برای تمام مؤلفه‌های راهبردهای حل تعارض نیز همین امر برقرار است (۰/۴۹، ۰/۶۰، ۰/۸۰، ۰/۴۴ و ۰/۷۰)؛ لذا مفروضهٔ همگنی واریانس‌ها رعایت شده است. به‌منظور بررسی همگنی شیب های رگرسیونی، مقدار F مربوط به تعامل گروه با پیش‌آزمون برای کنترل‌گری زناشویی ۱/۰۵۱ و برای مؤلفه‌های راهبردهای حل تعارض به‌ترتیب (۱۴/۹۳، ۳، ۱/۶۸، ۲/۴۷ و ۰/۳۷۴) است که در سطح ۰/۰۵ معنی دار نمی باشند؛ بنابراین مفروضهٔ همگنی شیب‌های رگرسیون نیز رعایت شده است. در نهایت نتایج تحلیل واریانس جهت آزمون خطی بودن رابطهٔ پیش‌آزمون کنترل‌گری زناشویی با پس‌آزمون آن ۱۲/۷۵۸می‌باشد که در سطح ۰/۰۰۲ معنادار است. آمارهٔ F انحراف خطی بودن رابطهٔ پیش‌آزمون کنترل‌گری زناشویی با پس‌آزمون آن ۱/۷۶ است که معنادار نیست (P>۰/۲۵) و برای تمام مؤلفه‌های راهبردهای حل تعارض نیز نظیر همین شرایط برقرار است؛ لذا با توجه به این یافته‌ها می‌توان گفت که بین پیش‌آزمون و پس‌آزمون کنترل‌گری زناشویی و راهبردهای حل تعارض رابطهٔ خطی وجود دارد که در نتیجه می‌توان از تحلیل کوواریانس استفاده کرد.

نتایج جدول شمارهٔ شش نشان می‌دهد که با کنترل اثر پیش‌آزمون، بین زوج‌های گروه آزمایش و کنترل در متغیر کنترل‌گری زناشویی (p< ۰/۰۵ و F= ۲۹۷۷/۴۴۰)، سبک‌های یکپارچه (p< ۰/۰۵ و F=۱۶۵۲/۲۷۲)، مصالحه‌گرانه (p< ۰/۰۵ و F=۸۸۸/۳۸۶)، ملزم‌شده (p< ۰/۰۵ و F=۶۴۳/۵۰۰)، اجتنابی (p< ۰/۰۵ و F=۷۰۲/۵۳۷) و سلطه‌گرانه (p< ۰/۰۵ و F=۱۳۵۹/۶۵۷) تفاوت معنی‌دار مشاهده می‌شود. وضعیت حاضر به‌معنای این است که بستهٔ آموزشی تدوین‌شده توانسته است کنترل‌گری زوج‌های گروه آزمایش را بهبود ببخشد و راهبردهای حل‌تعارض غیرسازندهٔ آنها را به سازنده تغییر دهد. قابل ذکر است که میزان تأثیر این مداخله (آموزش) برای کنترل‌گری زناشویی برابر با ۹۸ درصد، سبک یکپارچه ۹۲ درصد، مصالحه‌گرانه ۹۵ درصد، ملزم‌شده ۹۳ درصد، اجتنابی ۹۴ درصد و سلطه‌گرانه ۹۷ درصد می‌باشد.

جدول ۶. نتایج تحلیل کوواریانس تفاوت میانگین‌های متغیرها در مرحلهٔ پس‌آزمون

متغیرها	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	F	sig	ضریب اتا
کنترل‌گری زناشویی	پیش‌آزمون	۱۴۱/۰۹۵	۱	۱۴۱/۰۹۵	۷/۵۹۴	۰/۰۰۸	۰/۱۳۹
	گروه	۵۵۳۲۳/۶۹۴	۱	۵۵۳۲۳/۶۹۴	۲۹۷۷/۴۴۰	۰/۰۰۰	۰/۹۸۴
	خطا	۸۳۷/۳۰۵	۴۷	۱۸/۵۸۱			
راهبرد حل تعارض یکپارچه	پیش‌آزمون	۴/۷۹۱	۱	۴/۷۹۱	۱/۸۷۰	۰/۱۷۸	۰/۰۳۸
	گروه	۴۲۳۲/۹۵۷	۱	۴۲۳۲/۹۵۷	۱۶۵۲/۲۷۲	۰/۰۰۰	۰/۹۲۷
	خطا	۱۲۰/۴۰۹	۴۷	۲/۵۶۲			
مصالحه‌گرانه	پیش‌آزمون	۲۲/۷۱۵	۱	۲۲/۷۱۵	۷/۳۹۳	۰/۰۰۹	۰/۱۳۶
	گروه	۲۷۲۹/۵۲۹	۱	۲۷۲۹/۵۲۹	۸۸۸/۳۸۶	۰/۰۰۰	۰/۹۵۰
	خطا	۱۴۴/۴۰۵	۴۷	۳/۰۷۲			
ملزم‌شده	پیش‌آزمون	۴/۹۸۴	۱	۴/۹۸۴	۱/۵۵۴	۰/۲۱۹	۰/۰۳۲
	گروه	۲۰۶۳/۲۵۷	۱	۲۰۶۳/۲۵۷	۶۴۳/۵۰۰	۰/۰۰۰	۰/۹۳۲
	خطا	۱۵۰/۶۹۶	۴۷	۳/۲۰۶			
اجتنابی	پیش‌آزمون	۱۲/۶۴۴	۱	۱۲/۶۴۴	۷/۰۵۴	۰/۰۱۱	۰/۱۳۱
	گروه	۱۲۵۹/۱۳۴	۱	۱۲۵۹/۱۳۴	۷۰۲/۵۳۷	۰/۰۰۰	۰/۹۳۷
	خطا	۸۴/۲۳۶	۴۷	۱/۷۹۲			
سلطه‌گرانه	پیش‌آزمون	۲/۲۳۹	۱	۲/۲۳۹	۱/۴۷۵	۰/۲۳۰	۰/۰۳۰
	گروه	۲۰۵۹/۷۶۸	۱	۲۰۵۹/۷۶۸	۱۳۵۹/۶۵۷	۰/۰۰۰	۰/۹۶۷
	خطا	۷۱/۲۰۱	۴۷	۱/۵۱۵			

جدول شـــمارهٔ هفت، معنی‌داری تفاوت و تأثیر در مرحلهٔ پیگیری را برای گروه آزمایش و کنترل نشـــان می‌دهد که از ثبات و پایایی لازم برخوردار اســت؛ به‌گونه‌ای که برای کنترل‌گری زناشـویی (۰/۰۵ >p و ۱۶۶/۸۴۱ =F)، سـبک‌های یکپارچه (۰/۰۵ >p و ۴۰/۸۷۹ =F)، مصـــالحه‌گرانه (۰/۰۵ >p و ۴۲۱۴۶ =F)، ملزم‌شـــده (۰/۰۵ >p و ۱۲/۲۰۸ =F)، اجتنابی (۰/۰۵ >p و ۲۱/۸۴۵ =F) و سلطه‌گرانه (۰/۰۵ >p و ۲۵/۲۷۲ =F) برقرار است و به معنای این است که بستهٔ مهارت‌های زناشویی مبتنی بر التقاط‌نگری توانسته است حداقل برای دو ماه روی همسران متعارض گروه آزمایش تأثیر مثبت، معنی‌دار و باثبات ایجاد نماید.

جدول ۷. نتایج تحلیل کوواریانس تفاوت میانگین‌های متغیرها در مرحلهٔ پیگیری

متغیرها	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	F	sig	ضریب اتا
کنترل‌گری زناشویی	پس‌آزمون	۵۱/۸۴۶	۱	۵۱/۸۴۶	۱۲/۶۲۷	۰/۰۰۱	۰/۲۱۲
	گروه	۶۸۵/۰۲۵	۱	۶۸۵/۰۲۵	۱۶۶/۸۴۱	۰/۰۰۰	۰/۷۸۰
	خطا	۱۹۲/۹۷۵	۴۷	۴/۱۰۶			
راهبرد حل تعارض یکپارچه	پس‌آزمون	۱۶/۴۸۱	۱	۱۶/۴۸۱	۵/۱۹۷	۰/۰۲۷	۰/۱۰۰
	گروه	۱۲۹/۶۲۷	۱	۱۲۹/۶۲۷	۴۰/۸۷۹	۰/۰۰۰	۰/۴۶۵
	خطا	۱۴۹/۰۳۹	۴۷	۳/۱۷۱			
مصالحه‌گرانه	پس‌آزمون	۱۸/۵۲۱	۱	۱۸/۵۲۱	۵/۶۵۳	۰/۰۳۲	۰/۱۰۵
	گروه	۲۵۳/۶۸۵	۱	۲۵۳/۶۸۵	۴۶/۴۲۱	۰/۰۰۰	۰/۵۶۷
	خطا	۱۱۶/۰۰۷	۴۷	۲/۴۶۶			
ملزم‌شده	پس‌آزمون	۲۲/۵۳۰	۱	۲۲/۵۳۰	۱۷/۹۵۰	۰/۰۰۰	۰/۲۷۶
	گروه	۱۵/۳۲۳	۱	۱۵/۳۲۳	۱۲/۲۰۸	۰/۰۰۱	
	خطا	۵۸/۹۹۰	۴۷	۱/۲۵۵			
اجتنابی	پس‌آزمون	۱۱/۸۳۸	۱	۱۱/۸۳۸	۱۵/۳۸۶	۰/۰۰۰	۰/۲۴۷
	گروه	۱۶/۸۰۸	۱	۱۶/۸۰۸	۲۱/۸۴۵	۰/۰۰۰	۰/۳۱۷
	خطا	۳۶/۱۶۲	۴۷	۰/۷۶۹			
سلطه‌گرانه	پس‌آزمون	۱۴/۲۵۹	۱	۱۴/۲۵۹	۵/۶۹۲	۰/۰۲۱	۰/۱۰۸
	گروه	۱۸/۲۱۷	۱	۱۸/۲۱۷	۲۵/۲۷۲	۰/۰۰۰	/۴۱۰
	خطا	۱۱۷/۷۴۱	۴۷	۲/۵۰۵			

به‌منظور مقایسهٔ تغییرات گروه‌ها در مراحل مختلف، آزمون تبعی بن‌فرونی استفاده شد که نتایج آن در جدول ۸ درج شده است. این جدول حکایت از آن دارد که میانگین بین پیش‌آزمون با پس‌آزمون، پیش‌آزمون با پیگیری و پس‌آزمون با پیگیری فقط در گروه مداخله معنادار است (P=۰/۰۵).

جدول ۸. نتایج آزمون تبعی بون‌فرونی برای مقایسهٔ تفاوت میانگین‌های کنترل‌گری زناشویی و راهبردهای حل تعارض

متغیر	گروه‌ها	آزمون تبعی بون‌فرونی		
		پیش‌آزمون تا پس‌آزمون P<۰/۰۵*	پیش‌آزمون تا پیگیری P<۰/۰۵*	پس‌آزمون تا پیگیری P<۰/۰۵*
کنترل‌گری زناشویی	مداخله	(P=۰/۰۰۰۱) *۲۷/۴۰۰	(P=۰/۰۰۰۱) *۱۹/۵۴۵	(P=۰/۰۰۰۱) *۱۱/۸۴۵
	کنترل	(P=۱/۰۰۰) ۰/۵۰۰	(P=۱/۰۰۰) ۰/۴۰۰	(P=۱/۰۰۰) ۰/۱۰۰
راهبردهای حل تعارض	مداخله	(P=۰/۰۰۰) *۲۸/۵۶۸	(P=۰/۰۰۰) *۳۲/۴۵۰	(P=۰/۰۰۰) *۹/۳۵۴
	کنترل	(P=۰/۵۰۴) ۲/۵۴۸	(P=۱/۰۰۰) ۳/۴۵۰	(P=۱/۰۰۰) ۰/۴۹۵

بحث

پژوهش حاضر با هدف تدوین و اعتباریابی بستهٔ مهارت‌های زناشویی بر مبنای رویکرد التقاط‌نگری به‌منظور بهبود کنترل‌گری زناشویی و راهبردهای حل‌تعارض همسران متعارض انجام گرفته است. نتایج پژوهش در بخش کیفی نشان داد که بستهٔ آموزشی حاضر از روایی محتوایی مطلوبی برخوردار است و پانل تخصصی خبرگان به یک توافق قوی در این زمینه دست پیدا کردند. در بخش کمی نیز اثربخشی بستهٔ تدوین‌شده به‌صورت آموزش هشت‌جلسه‌ای روی کنترل‌گری زناشویی و راهبردهای حل‌تعارض بررسی شد و تحلیل داده‌ها نشان داد که بستهٔ مهارت‌های زناشویی مبتنی بر التقاط‌نگری توانسته از میزان کنترل‌گری زناشویی همسران متعارض گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل بکاهد و سبک‌های حل‌تعارض غیرسازندهٔ آنها را به سبک‌های سازندهٔ حل‌تعارض تبدیل کند.

یافتهٔ بخش کیفی همسو با یافتهٔ Beyrami and Azhideh (2025) است که در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که زوج‌درمانی یکپارچه، رضایت و صمیمیت زناشویی همسران ناسازگار را بهبود می‌بخشد. Pirsaghi (2024) در پژوهشی دریافت که مداخلهٔ روانی- آموزشی مبتنی بر یکپارچه‌سازی رویکردهای سیستمی بر ابعاد کارکرد خانواده اثربخش است. Mehrjou and Fatehizadeh (2023) با تدوین بستهٔ زوج‌درمانی یکپارچه‌نگر سیستمی، به اعتباریابی بالایی دست یافتند. Jalalvand et al. (2023) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که زوج‌درمانی رفتاری یکپارچه‌نگر بر کیفیت روابط و صمیمیت زناشویی اثربخش است. Namdarpour et al. (2023) با تدوین بستهٔ ترکیبی رویکرد بوئن و روایت‌درمانی، به این نتیجه دست یافتند که این بسته بر افزایش تمایزیافتگی زوجین متعارض اثربخش است. KaveheiSedeh et al. (2022) دریافتند که روش مشاوره‌ای خبره- محور به‌عنوان مدل مشاوره‌ای پیش از ازدواج از اعتبار بالایی برخوردار است. Barakat et al. (2022) در پژوهشی دریافتند الگوی یکپارچهٔ پیشگیری از طلاق می‌تواند صمیمیت عاطفی و انطباق‌پذیری زوجین متقاضی طلاق را افزایش دهد. Mostajeran et al. (2021) در پژوهشی به این یافته رسیدند که تلفیق درمان هیجان- مدار و متمرکز بر شفقت، روی کیفیت زندگی و زناشویی زنان متأهل اثربخش است. مانند مطالعهٔ حاضر، آنچه در این پژوهش‌ها مشاهده می‌شود این است که یکپارچه‌سازی و التقاط‌گرایی اثربخشی مثبتی روی مؤلفه‌های مختلف زناشویی دارد؛ از جمله اینکه Soroush et al. (2021) و Modirzare et al. (2021) دریافتند که زوج‌درمانی رفتاری- تلفیقی روی کنترل‌گری زناشویی اثربخش بوده است و در پژوهش Alkan et al. (2023) مشاهده می‌شود که برنامهٔ آموزش مبتنی بر یکپارچه‌نگری می‌تواند رفتارهای کنترل‌گری همسران را کاهش دهد.

باتوجه به اینکه در رویکردهای التقاطی از مناسب‌ترین فنون نظریه‌ها و رویکردهای مختلف برای درمان یا آموزش استفاده می‌شود، به‌نظر می‌رسد که این رویکردها از اثربخشی بالایی برخوردار باشند؛ چرا که در این رویکردها آنچه مهم است و در اولویت قرار دارد منطبق‌کردن تکنیک با نیاز موجود در فرد یا گروه هدف است و همین عامل اثربخشی این رویکرد و استقبال از آن را افزایش داده است (Hoffman, 2022; Noordin et al., 2021; Vasile, 2021).

با عنایت به اینکه یکی از علل تعارضات زناشویی و رفتارهای کنترل‌گرانهٔ زوجین، عدم تمایزیافتگی آنها بوده (Dargahi et al., 2024) و این یکی از مفاهیم مرکزی نظریهٔ بین‌نسلی بوئن است و جزو رویکردهای موجود در بستهٔ تدوین‌شدهٔ پژوهش حاضر می‌باشد، Thomas et al. (2021) در مطالعهٔ خود تصریح می‌کنند که آموزش زوجین با استفاده از محتویات نظریهٔ بوئن، تعارضات زناشویی همسران را کاهش می‌دهد. در تبیین این یافته می‌توان گفت با توجه به اینکه اضطراب زوجین یکی از عوامل اصلی کنترل‌گری آنها محسوب می‌شود (Abdiyousofkhani et al., 2023) آنها آموزش می‌بینند تا با منابع اضطراب خود آشنا شوند و با کاهش اضطراب خویش به تمایزیافتگی آنها افزوده می‌شود که همین عامل از کنترل‌گری آنها می‌کاهد. زمانی هم که زوج‌ها به وضعیت تمایزیافتگی از همسر خود می‌رسند درمی‌یابند که دارای وجود و شخصیت مستقل و مجزا از دیگری دارند؛ ولذا باید دست از کنترل شدید همسر خویش بردارند، که این همان کاستن از وضعیت همجوشی و دست‌یابی به نقش مکملیت است.

با توجه به اینکه Fereydounnejad (2023) به اثربخشی خانواده‌درمانی راهبردی روی تعارضات زناشویی دست یافته است، در ارتباط با تبیین اثربخشی این رویکرد نیز می‌توان این‌گونه مطرح کرد که وقتی مربی باتوجه‌به این رویکرد تشریح می‌کند که کنترل‌گری زناشویی به دلیل جنگ قدرت است (Nichols, 2023)، به همسران آموزش می‌دهد که با اندیشیدن به یک هدف واحد می‌توانند به دعوای برد - برد خاتمه داده و دیگر قدرت را در کنترل‌کردن همسر خود ندانند.

یافته‌های پژوهش حاضر در زمینهٔ اثربخشی رویکرد خانواده‌درمانی مینوچین روی تعارضات زناشویی با پژوهش Sabzevari et al. (2023) هم‌راستا است که این اثربخشی را می‌توان این‌گونه تبیین کرد که وقتی همسران با مفهوم مرزهای بین خود آشنا می‌شوند، متوجه می‌شوند که کنترل‌گری مرز روشن بین آنها را که یک حالت طبیعی و استاندارد بین آنها است تحت‌تأثیر قرار داده و آنها را وارد مرزی به نام مرز آشفته کرده است و همین امر روابط بین‌شان را متشنج کرده و با تعارضات همراه کرده است؛ لذا مربی با آموزش مرزسازی مجدد آنها را در این مورد کمک کرده که از کنترل‌گری زناشویی آنها کاسته می‌شود.

در ارتباط با تأثیر طرحواره‌درمانی بر تعارضات زناشویی می‌توان گفت که یافته‌های پژوهش حاضر با یافتهٔ Bidari et al. (2022)، Botter et al. (2022) و Khayatan et al. (2025) همسو می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که باتوجه به اینکه کنترل‌گری زناشویی ناشی از طرحوارهٔ رهاشدگی زوجین است؛ لذا با اصلاح این طرحواره زوجین یاد می‌گیرند که با کنترل‌گری نمی‌توان با این طرحواره همگام شد و درنتیجه باید به این مسئله بینش پیدا کنند که آزادی‌عمل همسرشان به‌معنای ترک آنها نیست و همسرشان باید این آزادی را داشته باشد.

دومین متغیر پژوهش حاضر راهبردهای حل‌تعارض همسران است. با توجه به اینکه در بخش راهبردهای حل‌تعارض از رویکردهای زوج‌درمانی راه‌حل- مدار و رفتاردرمانی دیالکتیک استفاده شده است، این نتیجه همسو با یافتهٔ پژوهش‌های Karimzadeh et al. (2024) و Abdoli et al. (2023) است که در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که درمان راه‌حل- محور بر بهبود کلیهٔ سبک‌های حل‌تعارض اثربخش می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که درمان راه‌حل- محور توضیح می‌دهد که چگونه می‌توان از توانایی ذاتی بیماران برای کمک به خود حداکثر استفاده را کرد. دادن بینش‌هایی برای تقویت نقاط قوت موجود در همسران، بازگرداندن استقلال و اعتماد به‌نفس، و ارایهٔ راه‌حل‌هایی که زوج‌ها می‌توانند بلافاصله انجام دهند از ویژگی‌های منحصربه‌فرد این رویکرد است. از منظر این رویکرد همسران دارای کنترل بر خویش هستند و این حق انتخاب و کنترل برای آنها مایهٔ خوشحالی و رضایت خواهد بود. بسیاری از زوجینی که در روابط خود مشکل دارند و در حل‌وفصل مشکلات خود

با شکست مواجه می‌شوند، با آموزش تکنیک‌های موجود در این رویکرد مانند مهارت حل‌مسئله در آنها می‌تواند از اختلافات بسیاری جلوگیری کند. این رویکرد به‌دلیل کوتاه‌بودن جلساتش می‌تواند در ایجاد همکاری زوجین نیز بسیار مؤثر باشد.

در ارتباط با همسویی اثربخشی جلسات مربوط به رویکرد رفتاردرمانی دیالکتیک می‌توان گفت که یافته‌های این بخش از پژوهش با یافته‌های Sheikh Hadi Siroi et al. (2017) و Nabavi et al. (2021), Safakermanshahi et al., (2022) و Badakhshan et al. (2021) همسو است که دریافتند رفتاردرمانی دیالکتیک روی بهبود راهبردهای حل‌تعارض و نیز کاهش تعارضات زناشویی اثربخشی معنادار دارد. با توجه به اینکه رفتاردرمانی دیالکتیک در کاهش تعارضات زناشویی اثربخش است (Lee & Arora, 2023; Shirani Nazhvani et al., 2025) ، لذا در تبیین این تأثیرگذاری می‌توان گفت که رفتاردرمانی دیالکتیک به زوج‌ها کمک می‌کند تا به‌رغم تفاوت‌هایی که با هم دارند، شیوه‌هایی را برای مدیریت تعارضات خود و نزدیک شدن به یکدیگر بیاموزند. از این رو در این رویکرد ابتدا به همسران آموزش داده می‌شود تا بتوانند هیجان‌های خود را شناخته و برای خودشان توصیف کنند و در مرحلهٔ بعد هیجان‌های طرف مقابل‌شان را بشناسند و از دیدگاه همسرشان موضوع را ببینند؛ یعنی بلافاصله اقدام به واکنشِ برون‌ریزی هیجانی نکنند، چرا که اینکار با اینکه احساس تخلیهٔ آنی را به‌همراه دارد، باعث تداوم تنش و اختلاف‌ها شده و پیامدهای بدی را به‌دنبال دارد؛ رویکرد دیالکتیک در تمام مراحل سعی دارد تا دو قطب مختلف یک عمل را به زوج‌ها نشان دهد که چگونه یک هیجان، فکر و یا رفتار می‌تواند به بهتر شدن رابطه یا تخریب آن منجر شود.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به این موارد اشاره کرد که شاید داوطلبانه بودن زوج‌ها برای ورود به پژوهش ممکن است نتایج را تحت‌تأثیر قرار داده باشد. همچنین چون این پژوهش در شهر زنجان انجام شده است، در تعمیم نتایج آن به جوامع دیگر باید جانب احتیاط رعایت شود. به پژوهشگران توصیه می‌شود محتوای بستهٔ تدوین‌شدهٔ پژوهش حاضر را در جوامع دیگر روی زوج‌های با تعارضات زناشویی اجرا کنند. به دست‌اندرکاران مشغول در سازمان‌هایی نظیر آموزش‌وپرورش در کلاس‌های آموزش خانواده و بهزیستی، کمیتهٔ امداد، دادگستری پیشنهاد می‌شود از محتوای بستهٔ تدوین‌شدهٔ پژوهش حاضر در کلاس‌ها و دوره‌هایی که برای زوج‌های با اختلافات زناشویی برگزار می‌کنند بهره ببرند.

تشکر و سپاسگزاری

پژوهشگران بر خود لازم می‌دانند که از تمامی شرکت‌کنندگان جهت شرکت در پژوهش تشکر و قدردانی نمایند.

تعارض منافع

این مقاله برگرفته از رسالهٔ دکتری رشته مشاوره دانشگاه محقق اردبیلی است و در آن تعارض منافعی وجود ندارد.

References

Aami BandehGharaei H., Seyedi, S. M., Mokhtaritorshizi, H., & Salehnia, N. (2023). The impact of unemployment, inflation, and participation rate of women in labor market on divorce process in Iran. *Refah.* 23(89), 9- 44 [in Persian]. doi:10.32598/refahj.23.89.4245.1

Abdiyousofkhani, Z., Soleimaniyan, A-A., & Gol-Pich, Z. (2023). Patterns of marital interaction of undifferentiated individuals: A qualitative study. *Cultural-Educational Quarterly of Women and Family*, 18(62), 89-119 [in Persian]. Dor: 20.1001.1.26454955.1402.18.62.4.8

Abdoli, N., Rashidi, A., & Seydi M. (2023). The effectiveness of solution focused brief therapy on Parent-Child Relationship Quality, Emotional Adjustment and conflict Resolution styles Mothers of girls with emotional failure. *Applied Research in Consulting*; 5(2),105-27 [in Persian]. DOI: https://www.jarci.ir/article_704779.html?lang=fa

Aizpurua, E., Copp, J., Ricarte, J. J., and Vázquez, D. (2021). Controlling behaviors and intimate partner violence among women in Spain: An examination of individual, partner, and relationship risk factors for physical and psychological abuse. *J. Interpers. Violence*, 36, 231–254. https://doi.org/10.1177/0886260517723744

Alkan, Ö., Bayhan, Y. C., & Abar, H. (2023). Controlling behaviors and lifetime economic, emotional, physical, and sexual violence in Türkiye. *Journal of Public Health*, 1-17. DOI:10.1007/s10389-023-01999-x

Amini, A., Ghorbanshirroudi, S., & Khalatbari, J. (2023). Comparison of the effectiveness of teaching strategies based on emotion-oriented couple on communication patterns of couples. *Armaghanj*; 28(3):340-354 [in Persian]. doi:10.61186/armaghanj.28.3.340.

Atadokht, A., Salmani,A., Sharei, A. (2024). The effectiveness of premarital attachment-differentiation training in cognitive flexibility and adjustment in couples preparing for marriage . *Iranian Journal of Family Psychology. 11*(2), 1-16. [in Persian]. doi: https://www.ijfpjournal.ir/article_720838.html?lang=en

Azarnik M, Rafiepoor A, Hatami M, Mousavi M S. (2021). Evaluation and comparison of the effectiveness of communication and marital skills training on marital conflicts and sexual performance of female students. *J Health Syst Res*, 17(3), 159- 166 [in Persian]. Doi: 10.22122/jhsr.v17i3.1421

Badakhshan, F., Kiamarsi, A, & Ghaffari, A. (2021). Comparison of the effectiveness of dialectical behavior therapy and reality therapy on familyfFunctions of women with martial conflicts. *Police Med*;10(4),265-72. doi: 10.30505/10.4.263

Baharuddin, A. R., & Nurainiah, N. (2024). The influence of communication in creating household harmony in Aceh Barat district. *Journal Al-Ijtimaiyyah*, 10(1), 122-131. https://doi.org/10.22373/alijtimaiyyah.v10i1.24154

Bahonar F, Keshavarz Afshar H, Salehi K. (2021). Marriage enrichment programs with marriage checkup program: A systematic review study. *Rooyesh. 10*(6), 185-198. [in Persian] URL: http://frooyesh.ir/article-1-2682-fa.html

Barakat, F., Amini, N., Diyreh, E., & Shafiabadi, A. (2022). The effectiveness of an integrated model of divorce, based on encouragement and offering compassion and forgiveness, on increasing emotional intimacy and joint adaptability in couples seeking divorce. *Culture of Counseling and Psychotherapy*, 13(49), 249- 278 [in Persian]. DOI: 10.22054/QCCPC.2020.48694.2281

Başkan, B., & Alkan, Ö . (2023). Determinants of intimate partner controlling behavior targeting women in Türkiye. *Front. Psychol.* 14:1174143. https://doi.org/10.3389/fpsyg.2023.1174143

Belotti, F., Ieracitano, F., Donato, S., and Comunello, F. (2022). Towards 'romantic media ideologies': Digital dating abuse seen through the lens of social media and/ or dating in teenage narratives. *Commun. Rev*. 25, 30–53. DOI:10.1080/10714421.2022.2033576

Beyrami, M., Azhideh, L. (2025). Integrative couple therapy on improving marital satisfaction and marital intimacy in incompatible couples: An experimental study. *Practice in Clinical Psychology*, 13(1), 81-90. https://doi. org/10.32598/jpcp.13.1.994.1

Bidari, F., Amirfakhraei, A., Zarei, E., & Keramati, K. (2022). The effectiveness of schema therapy on perfectionism and dysfunctional attitudes of women with marital conflict with primary incompatible schemas. *Analytical-Cognitive Psychology*, 13(49),19-32. [in Persian]. dor: 20.1001.1.28222476.1401.13.49.1.5

Botter, L., Gerritsen, D L & Oude Vashaar, RC. (2022). Schema therapy in the nursing home setting: A case Study of a cognitively impaired patient. *Clinical Case Studies*, 21(6), 570- 522. https://doi.org/10.1177/15346501221091790

Bretaña, I., Alonso-Arbiol, I., Lavy, S., & Zhang, F. (2024). Women's avoidant attachment, conflict solving, and relationship satisfaction through individualism and masculinity. *Current Psychology*, 43(10), 8699-8712. https://doi.org/10.1007/s12144-023-04988-1

Cohen, G. J. (2002). Helping children and families deal with divorce and separation. *American Academy of Pediatrics*, 6, 1019-1022. doi: 10.1542/peds.2016-3020.

Dargahi, Sh., Ayadi, N & Khabazi, M. (2024). Casual ralationship of differentiation, latent communicative agression, and emotional divorce in conflecting women with the mediating role of marital conflict. *Iranian Journal of Family Psychology*. 11 (1): 48- 61. [in Persian]. Doi: 10.22034/ijfp.2024.20286811317.

Delavar, A. (2023). *Reesearch Methodology in Psychology and Educational Sciences*. Tehran: Roshd Press. 130 [in Persian]. https://roshdpress.ir

Delavar, A. (2020). *Theoretical and Practical Foundations of Research in the Humanities and Social Sciences*. Tehran: Roshd Press. 130 [in Persian]. https://roshdpress.ir

Dell'Isola, R., Durtschi, J., Topham, G & Gimarc, C. (2021). A new approach to marriage preparation: The

attachment-differentiation premarital model. *Couple & Relationship Therapy*, 20(2), 149- 173. https://doi.org/10.1080/15332691.2020.1829522

Ebrahimi, S. Godarzi, M., & Isanejad O. (2019). The effectiveness of premarital counseling with the relationship attachment model on marital intimacy needs in marriage applicants. RBS; 17 (3) :508-519. [in Persian]. doi: 10.52547/rbs.17.3.508

Fasdi, T., Panaghi, L., & Sadeghi, M. (2024). The relationship between coercive control and marital satisfaction and couple burnout using the actor-partner interdependence model. *Appl. Psychol*, 18 (1), 107-130 [in Persian]. Doi: 10.48308./APSY.202.231527.1484

Fereydounnejad, M. (2023). Introducing family thrapy and examining its effectiveness on conflict resolution, empowerment and family dynamics. *Studies and Research in Behavioral Sciences*, 5 (2): 12-21. [in Persian]. http://noo.rs/J3hkj.

GirmaShifaw, Z. (2024). Marital communication as moderators of the relationship between marital conflict resolution and marital satisfaction. *The American Journal of Family Therapy*, 52(3), 249-260. DOI:10.1080/01926187.2022.2089404

Gorjian, Sh. (2023). Explaining the structural model of the relationships between attachment styles and depression with marital satisfaction through the mediation of conflict resolution styles in couples with borderline personality disorder. *New Strategies in Psychology and Educational Sciences*, 6(18), 256- 270 [in Persian]. DOI: 10.30495/2022.1945044.1631

Graham Kevan, N & Archer J. (2005). Investigating three explanations of women's relationship aggression. *Psychology of Women Quarterly*; 29(3):270–277. doi:10.1111/j.1471-6402.2005.00221.x

Guyette, E., & Harris, S. M. (2024). The impact of divorce education programs on co-parental conflict: review of programs with parent follow-up reports. *Family Court Review*.62(3), 542- 561. https://psycnet.apa.org/doi/10.1111/fcre.12797

Habibi, A. & Sarabadani, M. (2022). *SPSS Practical Training*. Tehran: Narvan e Danesh Publication. [in Persian].

Haqiqi, H., Zareei, E., & Qaderi, F. (2012). Factor structure and psychometric characteristics conflict resolution styles questionnaire Rahim (ROCI-II) in Iranian couples. *Family Counseling and Psychotherapy*, 2(1), 562-534 [in Persian]. Dor: 20.1001.1.22516654.1391.2.1.7.2

Harsono, I., Sutanto, H., Zuhroh, S., Arisanti, I., & Erliana, Y. D. (2024). The influence of socio-economic factors on marriage patterns in Indonesia: A quantitative analysis of the relationship between social status and marriage decisions. *Sciences du Nord Humanities and Social Sciences*, 1(01), 33-39. DOI:10.58812/snhss.v1i1.5

HasaniMoghadam**,** S., Ganji, J., Sharifnia, H., & Khani, S. (2021). Examining the improving strategies for Iranian couple communication patterns: A scoping review**.** *Current Research in Medical Sciences***.;** 5(1):27-42. doi:10.18502/sjms.v16i1.8936

Henson, M., Kot, M., & Tung, K. K. (2024). Optimal marital strategies: How couples develop successful interaction styles. *Ar Xiv Preprint ArXiv*:2406.07403. https://doi.org/10.48550/arXiv.2406.07403

Hoffman, S. (2022). Eclectic psychotherapy.*J Edu Psyc Res*, 4 (2), 410- 411. DOI: 10.33140/JEPR

Jalalvand, D., Goodarzi, K., Karimi, J., & Yaghoobi, A. (2023). The effectiveness of behavioral-integrated couple therapy and couple therapy by Guttman method on the quality of marital relationships and marital intimacy. *Journal of Family Research*, 19(1):107-124 [in Persian]. doi: 10.48308/JFR.19.1.107

Javdan, M., Bahrampour, T. & Dehghani, M. (2023). The role of family relationships and conflict resolution styles in marital burnout of couples seeking a divorce. *Journal of Family Relations Studies, 3* (8): 32-39 Doi: 10.22098/jfrs.2023.12006.1093

Karimzadeh, Kh., Sudani, M., Safarzadeh, S., & koraei, A. (2024). Comparing the effectiveness of acceptance and commitment-based therapy and solution-oriented therapy on couples' conflict resolution styles. *Medical Journal of Mashhad University of Medical Sciences,* 66(6), 1660-1671 [in Persian]. doi: 10.52547/JPS.24.148.117

Kaur, J., & Wani, M. A. (2022). Eclectic counseling: its effectiveness in improving study habits and academic achievement of school students. *Positive School Psychology*, 8035-8039. DOI: 184.168.115.16

KaveheiSedeh, S., Yousefi, Z., & Torkan, H. (2022). Investigate the method of marriage counseling with marriage counseling experts and provide an expert-centered premarital counseling model. *Knowledge & Research in*

Applied Psychology, 23(1), 26-37 [in Persian]. DOI: 10.30486/JSRP.2021.1890869.2252

Khani, S. (2023). Increasing divorce or stagnation of marriage? A reflection on the trends in marriage and divorce in Iran during the last 15 years. *Social Continuity and Change*, 2(1), 25-43 [in Persian]. doi: 10.22034/jscc.2023.19288.1053

Khani, M. S., Emamipour, S., & Mirhashemi, M. (2024). Development of a structural model of emotional divorce based on the dark triad personality traits and conflict resolution styles with the mediation of marital conflicts. *Adolescent and Youth Psychological Studies*, 5(5), 97-107. doi.org/10.61838/kman.jayps.5.5.12

Khayatan F., Hadian S., & Golparvar, M. (2025). Comparing effectiveness of emotional schema therapy, forgiveness -based compassion therapy and cognitive-behavioral therapy on affective capital in women of victim of domestic violence. *TB*; 23(6), 92-108 [in Persian]. Doi: 10.18502/tbj.v23i6.18195

Khojastehmehr R, shirmardi S, omidian M, sodani M. (2021). A meta-analysis of the effectiveness of marriage enrichment programs on marital intimacy. *Psychological Science*. *20*(103), 1077-1094. [in Persian]. doi:10.52547/JPS.20.103.1077

Khoshnodifar, Z., Sookhtanlou, M., & Alizadeh, R. (2024). Desighning a model for the development if agricultural knowledg- based businesses using the delphi method. *Innovation Ecosystem*, 4 (2): 41- 59. [in Persian]. Doi: 10.22111/innoeco.2024.48801.1095

Lee, S., & Arora, IS. (2023). The effectiveness, acceptability, and sustainability of a 4-week DBT-informed group therapy in increasing psychological resilience for college students with mental health issues. *J Clin Psychol*; 79(9), 1929-1942. DOI: 10.1002/jclp.23509

Lotfi, Z., & Heidari, H. (2019). Comparison of the effectiveness of marriage enrichment (Time and Olson) and the quality of life improvement program in increasing women's marital satisfaction. *New Ideas in Psychology*, 3 (7): 1-17. [in Persian]. URL: http://jnip.ir/article-۱-۲۴۱-fa.html

Mahmudulhassan, M., & Abuzar, M. (2024). Harmony in the family: indicators of marriage success in cultural and religious foundations in Bangladesh. *Demak Universal Journal of Islam and Sharia*, 2(03), 221-230. DOI:10.61455/deujis.v2i03.136

Makhmutov, R. (2021). The delphi method at a glance. *Pfleg*, 34 (4): 221. DOI:10.1024/1012-5302/a000812

Mardani, F., Navabinejad, S., & Yousefi, E. (2024). Identifying factors and contexts leading couples to mutual divorce. *Applied Family Therapy Journal*, 5(1), 78-88. doi.org/10.61838/kman.aftj.5.1.9

Mehrjou, Z., & Fatehizadeh, M. (2023). Development and validation of a systematic integrated couple therapy package; based on four systematic approaches with content analysis method. *Family Research*, 19(2): 345-361. [in Persian] doi.org/10.52547/JFR.19.2.345

Modirzare, S., Zahrakar, K., Asadpour, E., & Mohsenzade, F. (2021). Comparing the effects of integrative behavioral couple therapy and dialectical behaviour therapy on couples' controlling behaviors. *MEJDS*; 11, 72-72 [in Persian]. doi: 10.29252/mejds.0.0.134

Morgado, T., Lopes, V., Carvalho, D., & Santos, E. (2022). The effectiveness of psychoeducational interventions in adolescents' anxiety: A systematic review protocol. *Nurs Rep*; 12(1), 217-225. DOI: 10.3390/nursrep12010022

Mostajeran, M., Jazayeri, R., Fatehizade, M. (2021). The effect of integrated emotion-focused therapy (Grinbeerg's) and compassion focused therapy on marital quality of life and married women. *Research in Cognitive and Behavioral Sciences*, 11 (1): 85- 106. [in Persian]. DOI: 10.22108/cbs.2022.130801.1576

Musthofa, M., & Lutfiah, S. Q. (2024). Early marriage and its influence on family harmony in an islamic perspective. *Al-Risalah: Jurnal Studi Agama dan Pemikiran Islam*, 15(1), 197-214. DOI**:** https://doi.org/10.34005/alrisalah.v15i1.3351

Nabavi, S.M., Shahbazi, M., & Korai A. (2021). Comparison of the effectiveness of compassion focused therapy and dialectical behavior therapy on reducing the marital conflict of women on the threshold of the divorce. *Psychological Science*, 20(106), 1897-1912 [in Persian]. doi:10.52547/JPS.20.106.1897

Nafisah, D., Nasrudin, N., Meidina, A. R., & Zain, M. F. (2024). Comparative analysis of Islamic family law and normative law: Examining the causes of divorce in Purwokerto, Indonesia. *Samarah: Jurnal Hukum Keluarga dan Hukum Islam*, 8(2), 847-871. DOI: https://doi.org/10.22373/sjhk.v8i2.16825

Namdarpour, F., Dayarian, MM., & Rabbani, Sh. (2023). Developing a combined therapy package of Bowen's approach and narrative therapy based on family relationships and investigating its effectiveness on the

differentiation of conflicted couples. *Modern Psychological Researches*, 18(72), 123- 133 [in Persian]. DOI: 10.22034/jmpr.2024.16480

Nichols M. (2023). *Family Therapy: Concepts and Methods*. 9th ed. (M. Dehqani & et al, Trans.). Tehran: Roshd Publication.

Noordin, M. F., Ibrahim, N. M., Mujastuti, R., & Risanty, R. D. (2021). Eclectic approach as idea of E-edu counseling preliminary system model. *Physics: Conference Series*, 1764(1), p. 012045. IOP Publishing. doi: 10.1088/1742-6596/1764/1/012045

Omidi, M., Koraei, A., & Sodani, M. (2022). Comparison of the effectiveness of structural family therapy and Gottman couple therapy on cohesion, adaptability and communication of non-adjustment couples. *Razi Journal of Medical Sciences*, 29(10), 56-67 [in Persian]. doi: 10.1016/j.heliyon.2024.e24827

Pirsaghi, P. (2024). The effectiveness of psycho-educational family-oriented interventions based on the integration of systemic approaches on the dimensions of family functioning. *Family Relations Studies*, *4*(14), 23-30. DOI: 10.22098/jfrs.2024.15396.1196.

Pourrajab, A., & Kamyabi, M. (2020). Investigating the relationship between controlling behaviors and marital instability among female teachers in Kerman Art Schools. *Women and Family Studies*, 13(50), 63- 79 [in Persian]. doi: 10.30495/jwsf.2020.562208.125

Rabet, R., & Qamari-Kiwi, H. (2024). A review of premarital counseling: Studies and programs. *Psychology Knowledge*, No. 18, 8- 15 [in Persian]. Magiran.com/p2814221

Rahespar, F., Arvand, G. & Juneidy, G. (2022). The effectiveness of solution-oriented couple therapy on marital conflicts and burnout of couples. *Assessment and Research Quarterly in Counseling and Psychology*, 3(4): 53-67 [in Persian]. doi: 10.22098/jfrs.2023.12006.1093

Rahim, A. (1983). A measure of styles of handling interpersonal conflict. *Academy of Management Journal, 26(2). 368-376*. Doi. https://psycnet.apa.org/record/1983-27060-001

Sabzevari, P., Khoyinejad, Gh., & Saffarian Toosim M. (2023). Comparing the effectiveness of Bowen's family-based approach and Minuchin's structural family therapeutic approach on improving communication patterns and reducing marital conflicts in women suffering from emotional divorce. *Applied Family Therapy*, 4(2), 205-226 [in Persian]. Doi: 10.22034/aftj.2022.322683.1331

SadeghKhani, M., Emamipour, S., & Mirhashemi, M. (2024). Development of a structural model of emotional divorce based on the dark triad personality traits and conflict resolution styles with the mediation of marital conflicts. *Adolescent and Youth Psychological Studies,* 5(5), 97-107. doi.org/10.61838/kman.jayps.5.5.12

Saeeda, S., Mootabi, F., Pahlavan, M., & Hasanabadi, H. (2023). Presenting an actor-partner interdependence model in examining the role of self- compassion on dyadic conflict resolution styles for couples. *Applied psychological research*, 14(2), 316- 299 [in Persian]. doi: 10.22059/.2023.333120.644061

Safakermanshahi, Y., Nikooei, F., & Hayati G. (2022). The effectiveness of dialectical behavior therapy on marital adjustment and intimacy of women with marital conflicts. *Rooyesh. 10*(12), 169-178 [in Persian]. Dor: 20.1001.1.2383353.1400.10.12.9.1

Salehi, M., Abkenar, B. N., & Rashidi, T. (2024). The effectiveness of Gottman's systemic cognitive couple therapy on marital conflicts, communication patterns, and alexithymia in couples with marital conflict. *Assessment and Research in Applied Counseling*, 6(3), 145-152. doi.org/10.61838/kman.jarac.6.3.16

Salimi, C., Kachooei, M., Dadashi, M., & Farahani, H. (2024). Effects of integrative behavioral couple therapy on communication patterns and marital adjustment. *Education and Health Promotion*, 13(1), 276. doi: 10.4103/jehp.jehp_201_23

Saniei, S. (2021). The effectiveness of Bowen systemic counseling on controlling behaviors and feelings of cohesion in women affected by infidelity. *JNIP*; 10(14), 1-13 [in Persian]. URL: http://jnip.ir/article-1-588-en.html

Sarfarazi, E., & Sadattabatabayi, S. (2023). Adjusting marital life values and the effectiveness if teaching them on marital disputes and the well- being of women with marital satisfaction. *Woman and Family Studies*, 15(58), 85- 105 [in Persian]. doi: 10.30495/JWSF.2022.1945044.1631

Satkin, M., Mehrinejad, S. A., Sotodehasl, N., & Asadzadeh, H. (2024). Effectiveness of marital enrichment package based on Islamic teachings on couples' marital satisfaction. *Clinical Psychology and Personality*, 22(1), 1-24. doi: 10.22070/cpap.2023.16940.1292

Sbarra, D. A., & Coan, J. A. (2017). Divorce and health: good data in need of better theory. *Current Opinion in*

Psychology, 2 (13), 91-95. https://doi.org/10.1016/j.copsyc.2016.05.014

Shahmoradi, H., Sadeghi, M., Goodarzi, K., & Roozbehani, M. (2019). Comparing the effectiveness of integrated Gottman-emotional focused and strategic-solution focused approaches in marital intimacy among couples applying for divorce. *Modern Psychological Research*, 14(54), 327- 293 [in Persian]. Dor: 20.1001.1.27173852.1398.14.54.14.9

Shahsavand, M; Ghaemi, M.H. (2023). Presentation a suitable structure for the expert witnesses report in the field of Bankruptcy. *Governmental Accounting*, 10 (19): 143- 160 [in Persian]. DOI: 10.30473/GAA.2023.67590.1649

SheikhHadiSiroi, R., Madani, Y., & Gholamali Lavasani, M. (2017). The effectiveness of dialectical behavior therapy on conflict management styles of high-conflict couples. *Community Health*, 11(3-4), 47-55 [in Persian]. Doi: 10. 2123/CHJ.2018.111153.1070

ShiraniNazhvani, M., Khayatan, F., & Farhadi, H. (2025). The effectiveness of resilient dialectical behavior therapy and dialectical behavior therapy on coping strategies and resilience in women experiencing marital burnout. *Women Health Bull*;12(1):10-20. doi.org/10.30476/whb.2024.103918.1312

Soroush, S., Zare BahramAbadi, M., & Nasrollahi, B. (2021). A comparison of the effectiveness of emotionally focused couple therapy and integrative behavioral couple therapy on symptoms of obsessive-compulsive and marital burnout in couples with obsessive compulsive disorder. *Cultural psychology*, 5(1), 327- 304 [in Persian]. Doi: 10.30487/jcp.2021.308627.1317

Sychev, O., & Anoshkin, I. (2024). Russian-language versions of inventories measuring styles and effectiveness of conflict resolution in close relationships. *Psychology Journal of Higher School of Economics*, 21(1), 32-54. DOI:10.17323/1813-8918-2024-1-32-54

Thomas, R., Shelley-Tremblay, J., & Joanning, H. (2021). Anxiety explains self differentiation: Implications for Bowenian approaches to marriage and family therapy. *The American Journal of Family Therapy*, 49(5), 534-549. https://doi.org/10.1080/01926187.2020.1841586

Vasile, C. (2021). Eclectic psychotherapy and case formulation. *Educational Sciences & Psychology*, 11 (2), 162-168. DOI:10.51865/JESP.2021.2.18

Wedding, D., & Corsini, R. (2019). *Current Psychotherapies*. 10th ed. (F. Mohsenzadeh, Trans.). Tehran: Translator Publication.

Xyrakis, N., Aquilina, B., McNiece, E., Tran, T., Waddell, C., Suomi, A., & Pasalich, D. (2024). Interparental coercive control and child and family outcomes: A systematic review. *Trauma, Violence, & Abuse*, 25(1), 22-40. DOI: 10.1177/15248380221139243

Zare, M., Taghavi, M. R., Aflakseir, A. (2023). Predicting of marital commitment based on couples' conflict resolution styles, self-compassion and satisfaction of basic psychological needs. *Clinical Psychology Studies*, 13(50), 1-36 [in Persian]. https://doi.org/10.22054/jcps.2023.16445

Zimpfer, D,. G. (1988) Marriage enrichment programs: A review. *The Journal for Specialists in Group Work*, 13 (1): 44-5. Doi: 10.1080/01933928808411774